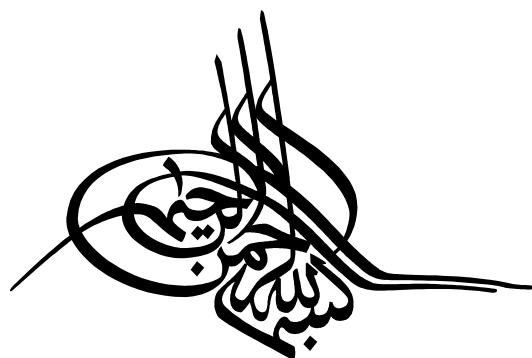




نظارت و راهنمایی

سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم تربیتی ۱

مؤلفان: اسماعیل الله‌دادی – سمانه باقری

ویراستاران علمی: سید جمال بارخدا – عبدالله رحیمی

سرشناسه	: الله دادی، اسماعیل
عنوان	: نظارت و راهنمایی
مشخصات نشر	: تهران، مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص
فروست	: سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۸۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فنیای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: باقری، سمانه
شناسه افزوده	: بارخدا، سیدجمال، ویراستار علمی
شناسه افزوده	: رحیمی، عبدالله، ویراستار علمی
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۷۴۸۰۷



نام کتاب: نظارت و راهنمایی

ناشر: مشاوران صعود ماهان

مدیر مسئول: دکتر مجید سیاری

مولفان: اسماعیل الله دادی - سمانه باقری

مدیر تولید محتوی: سمیه بیگی

نوبت و تاریخ چاپ: سوم / ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۱۰۰۰۰ ریال

شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۸۳-۹

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
 روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
 تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تالیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

به این وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم. دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

نیاز به نظارت و راهنمایی آموزشی در همه زمینه‌های مربوط به فعالیت‌های تدریس و یادگیری اجتناب‌ناپذیر است. این نیاز، به‌ویژه زمانی که آموزش و پرورش دستخوش تغییرات و تحولات بنیادی می‌گردد بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود؛ زیرا نظارت، راهنمایی و ارزشیابی همواره در اجرای مؤثر و موفق برنامه‌های آموزشی نقش اساسی داشته و دارد. نظارت و راهنمایی آموزشی از زمان پیدایی نظام‌های آموزشی به سبک جدید، جزء وظایف مهم مدیران مدارس بوده است. تقریباً در همه نظام‌های آموزشی به‌دلیل اهمیت مسئله آموزش و یادگیری و تاثیر مطلوب آن در آموزش و پرورش جوانان، نظارت و راهنمایی آموزشی جزء لاینفک نقش‌های سازمانی محسوب می‌شود. در فصول این کتاب سعی شده است به نکات برجسته نظارت و راهنمایی آموزشی اشاره شود.

اسماعیل الله دادی

فصل اول: مقدمه	۷
مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی	۹
ماهیت نظارت کلینیکی	۱۲
انواع راهنمایی	۱۲
اهداف راهنمایی	۱۳
مفاهیم و جهت‌گیری‌های نظارت و راهنمایی بعد از دهه ۱۹۵۰	۱۸
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل اول	۲۲
فصل دوم: حیطه و نوع عملکرد نظارت و راهنمایی آموزشی و نظارت و راهنمایی آموزشی در مدرسه	۳۵
حیطه و نوع عملکرد نظارت و راهنمایی	۳۶
نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس	۳۷
ابعاد نظارت	۳۸
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوم	۴۴
فصل سوم: اصول و روش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی	۵۶
اصول نظارت و راهنمایی آموزشی	۵۷
روش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی	۵۷
نظارت و راهنمایی آموزش بالینی	۵۸
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سوم	۶۸
فصل چهارم: نظارت و راهنمایی همکار	۷۹
مربیگری همتا	۸۰
مشاوره همتا	۸۱
مؤلفه‌های اصلی نظارت و راهنمایی آموزشی و آینده آموزش و پرورش	۸۶
راهنمای آموزشی	۹۲
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل چهارم	۹۸

فصل پنجم: ضرورت نظارت و راهنمایی تعلیماتی.....	۱۱۵
نقش راهنمایان تعلیماتی.....	۱۱۷
وظایف دانشگاه‌ها در نظارت و راهنمایی.....	۱۱۹
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل پنجم.....	۱۲۸
فصل ششم: رشد کارکنان و ناظران تعلیماتی امروز.....	۱۳۲
مشکلات راهنمایان تعلیماتی.....	۱۳۵
ویژگی‌های نظارت و راهنمایی جدید.....	۱۳۶
آینده نظارت و راهنمایی تعلیماتی.....	۱۳۹
موضع پایانی.....	۱۴۰
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل ششم.....	۱۴۲
فصل هفتم: نظارت کلاس درس محور و راهبردهای مربیگری.....	۱۴۷
مفاهیم و مهارت‌های اصلی نظارت کلاس درس محور.....	۱۴۸
رشد خودراهبردی معلمان.....	۱۵۱
اقدام پژوهشی.....	۱۵۱
گروه‌های رشد حرفه‌ای مبتنی بر همکاری.....	۱۵۲
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هفتم.....	۱۵۳
فصل هشتم: ارزشیابی معلم.....	۱۵۴
طراحی و اجرای نظام ارزشیابی داده‌محور معلم.....	۱۵۶
نظارت آموزشی و ارزشیابی معلمان تازه‌کار.....	۱۵۷
نظارت و ارزشیابی معلمان حاشیه‌ای.....	۱۵۸
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هشتم.....	۱۵۹
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه ۹۴-۱۴۰۲.....	۱۶۰
منابع.....	۲۳۲

فصل اول

مقدمه

♦ مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی

♦ ماهیت نظارت کلینیکی

♦ انواع راهنمایی

♦ مفاهیم و جهت گیری های نظارت و راهنمایی بعد از دهه ۱۹۵۰

مقدمه

نظارت و راهنمایی آموزشی از زمان پیدایی نظام‌های آموزشی به سبک جدید، جزء وظایف مهم مدیران مدارس بوده است. تقریباً در همه نظام‌های آموزشی به دلیل اهمیت مسئله آموزش و یادگیری و تاثیر مطلوب آن در آموزش و پرورش جوانان، نظارت و راهنمایی آموزشی جزء لاینفک نقش‌های سازمانی محسوب می‌شود. در نظام‌های آموزشی اغلب کشورها هدف از قرارداد نقش نظارت و راهنمایی آموزشی به‌طور رسمی، حل و فصل مسائل و مشکلات آموزشی معلمان، اصلاح فرایند تدریس و یادگیری و ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و در نتیجه دانش‌آموزان است.

طرح اندیشه‌ها، نظریه‌ها و روش‌های جدید از طرف صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت با هدف ارتقای کیفیت عملکرد معلمان، کاهش افت آموزشی، جلوگیری از اتلاف وقت و از دست‌دادن فرصت‌ها و ارتقا و حفظ نتایج مطلوب آموزشی، ضرورت نظارت و راهنمایی آموزشی را بر مسئولان و مدیران آموزش و پرورش بیش از پیش آشکار ساخته است. اگرچه امروزه مسئولان و کارشناسان آموزش و پرورش نسبت به به‌کارگیری نظارت و راهنمایی آموزشی نگرش مثبتی دارند، به‌علت محدودیت‌های فراوان در ابعاد اقتصادی، ساختاری و نیروی انسانی متخصص، تاکنون، برنامه‌ریزی مشخص یا اقدام عملی موثری در این مورد صورت نگرفته است. در مدارس ما، متأسفانه، با اینکه نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف کلاسیک مدیران آموزشی تلقی می‌شود، آنان به علل گوناگون برای اجرای این وظیفه تلاشی نکرده و نمی‌کنند.

از یک طرف، مدیران مدارس به ایفای نقش نظارت و راهنمایی آموزشی علاقه‌ای ندارند و از طرف دیگر، اکثر معلمان، نظارت و راهنمایی به‌وسیله مدیرانشان را نوعی مداخله یا ایجاد مزاحمت در کار خود تلقی می‌کنند و اصولاً از این کار بیمناکند، یا تصور می‌کنند که نیازی به اصلاح کار خود ندارند. در نتیجه هیچ‌گاه مدیران و معلمان تصور مثبتی از نقش یکدیگر در ذهن نداشته‌اند تا بتوانند با هدف رفع مسائل و مشکلات آموزشی معلمان ارتباط و همکاری نزدیکی با هم داشته باشند.

از آغاز پیدایش آموزش و پرورش رسمی در جوامع تا به امروز تغییرات و تحولات بسیاری در نظام‌های آموزشی روی داده است. برای مثال، چنانچه جامعه‌ای قادر نباشد از عوامل مهم اقتصادی زمان، سرمایه و کار و تلاش نیروی انسانی به‌طور اثر بخشی در آموزش و پرورش استفاده کند، مدیریت آموزش و پرورش باید در مورد هدر رفتن یا عدم استفاده صحیح از آن عوامل در قبال جامعه پاسخگو باشد. زیرا جبران این سه عامل در زمان‌های بعدی اگر کار غیر ممکن نباشد، امری بسیار دشوار است.

صاحب‌نظران آموزش و پرورش عموماً بر این عقیده هستند که کیفیت مدیریت فعالیت‌های آموزشی، مهم‌ترین شاخص سطح کفایت و اثربخشی کل برنامه‌های آموزشی است؛ زیرا مدیریت با نقش تعیین‌کننده و موثری که در امر هدایت و رهبری فرایندهای آموزش و پرورش در جهت هدف‌های آن دارد، بالقوه هم می‌تواند موجب پیشرفت آن گردد و هم موجب از هم پاشیدگی آن (علاقه‌بند، ۱۳۶۲). بنابراین، برای استفاده عاقلانه و مقتصدانه از زمان، سرمایه و کار و تلاش نیروی انسانی به‌منظور نیل به هدف‌های عام آموزش و پرورش در سطح ملی و هدف‌های خاص آموزش و یادگیری در سطح آموزشگاهی باید به آموزش و تربیت تخصصی افرادی مبادرت کرد که واجد ویژگی‌های بارز و حرفه‌ای مدیریتی هستند. به عبارت دیگر، باید سرمایه گذاری برای آموزش و آماده سازی مدیران آموزشی در آموزش و پرورش باشد و موجب رکود یا از هم گسیختگی آن نگردد.

به اعتقاد صاحب‌نظران سازمانی یکی از بهترین روش‌ها برای ایجاد و حفظ نظام آموزشی خوب، تربیت افراد کارآمد و متخصص به‌منظور مدیریت و رهبری این نظام است. مدیریت و رهبری آموزش و پرورش در بسط و توسعه هر حرکت، تصمیم یا برنامه مهمی که برای بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه طراحی می‌شود حائز اهمیت بسیاری است. با توجه به اینکه راه‌حل‌های نهایی مسائل و مشکلات آموزشی نیز در دست رهبران آموزشی است، باید قابلیت‌ها و توانائی‌های بالقوه مدیران تا حد امکان رشد و پرورش یابد. در میان گروه مدیران و رهبران آموزشی، راهنمایان آموزشی از عناصر بسیار مهم به‌شمار می‌روند و نقش اساسی و موثری در تحقق هدف‌های آموزشی ایفا می‌کنند.

نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف مهمی است که برای اداره نظام آموزشی خوب ضرورت دارد و هدف اصلی آن اصلاح و بهبود وضع آموزشی است. اگرچه برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و عناوین راهنمایان آموزشی در نظام‌های آموزشی مختلف متفاوت است، وظایف آنان کم و بیش مشابه است.

وظیفه اصلی آنان، با هر عنوانی که نامیده شوند و در هر پست و مقامی که خدمت کنند، برقراری ارتباط و کار و همکاری حرفه‌ای با معلمان و کمک به آنان است تا بهتر رشد و پرورش یابند و با این وسیله فرایند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند، عملکرد موثرتری داشته باشند و در نهایت نتایج آموزشی مطلوب‌تری به دست آورند. رشد و پرورش بهتر معلمان به معنای رشد و پرورش بهتر دانش‌آموزان و نیز موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی است که رضایت و حمایت عمومی از مدارس را در پی دارد. هدفی که نظارت و راهنمایی آموزشی در نظام‌های آموزشی درصدد نیل به آن است.

مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی

نظارت و راهنمایی از دو جزء اساسی: ۱- نظارت ۲- راهنمایی تشکیل شده است.

الف) نظارت: نظارت فرایندی است که راهنمای تعلیماتی از طریق آن به جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و اداری مدیران و معلمان در محیط‌های آموزشی می‌پردازد.

ب) راهنمایی: شرتزر و همکارش استون راهنمایی را تلاش پویایی می‌دانند که فرد را در خودشناسی و شناخت محیط یاری می‌دهد. تلاش صاحب‌نظران در بیست سال گذشته منجر به حداقل شش مفهوم سازی عمده برای نظارت به شرح زیر شده است:

۱- مدیریت اداری

۲- برنامه تحصیلی

۳- تدریس

۴- روابط انسانی

۵- مدیریت

۶- رهبری

آی، نتر و کری، نظارت متمرکز در مدیریت اداری را چنین تعریف می‌کند: «نظارت آن مرحله از مدیریت اداری مدرسه است که به‌طور عمده حصول انتظارات آموزشی متناسب با سیستم آموزش و پرورش را مورد توجه قرار دهد».

کوگان نظارت متمرکز بر برنامه تحصیلی را این‌گونه تعریف می‌کند: «نظارت دربردارنده فعالیت‌هایی چون برنامه نویسی، بازنگری در برنامه‌های تحصیلی، آماده‌سازی مطالب آموزشی و واحدها، استفاده بار آور از جریانات و ابزارها، تهیه گزارش به والدین و توجه وسیع به ارزشیابی کلی برنامه‌ها است».

مارکز، استوپز و کینگ استوپز تعریف زیر را از نظارت متمرکز بر تدریس بیان می‌دارند: «نظارت عملکرد و تجربه‌ای است که به قصد بهبود تدریس و برنامه آموزشی انجام می‌گیرد».

چهارمین تعریف نظارت به روابط انسانی تاکید دارد. کیمیل وایلز نظارت را به شرح زیر تعریف می‌کند:

ناظران امور را سرعت می‌بخشند. آنان به ایجاد ارتباطات کمک می‌کنند. کمک می‌کنند تا افراد حرف یکدیگر را بفهمند. شخص ثالث، برای افرادی می‌شوند که در ارتباطات خود دارای مشکل هستند. به درک افراد از حدود استفاده از منابع مشترک و عقاید و میزان تشویق کمک می‌کنند، به تسهیل اجرای موافقت‌های جلسات ارزشیابی می‌پردازند، به حرف کسانی که مسایل خود را بیان می‌کنند گوش فرا داده و به آنان، سایر منابع موثر در حل مسائلشان را معرفی می‌کنند.

پنجمین تعریف، نظارت را متمرکز بر مدیریت معرفی می‌کند، آلفونسو، فرتس و نوبی نظارت را چنین تعریف می‌کنند: «نظارت در هر سازمان پیچیده‌ای وجود دارد؛ زیرا سازمان‌ها می‌خواهند خود را حفظ کنند و گاهی خود را بهبود ببخشند. ارتباط نظارت و سازمان ارتباطی روشن و مستقیم است. نتایج سازمان باید در تحلیل کارایی و اثربخشی آن مورد استفاده قرار گیرد. این توصیفات از نظارت در درون سیستم‌های تولید در سازمان برای کسانی که نظارت آموزشی می‌کنند، مفید است. مدرسه یک سیستم تولیدی است.»

ششمین تعریف نظارت متمرکز بر مفهوم رهبری است. موشر و پرپل می‌گویند:

«ما وظیفه نظارت را یاددهی چگونه یاد دادن به یاددهندگان و رهبری حرفه‌ای در تدوین مجدد آموزش عمومی (به‌خصوص برنامه تحصیلی آن، یاددهی و اشکال آن) می‌دانیم.»

این تعاریف مختلف درباره نظارت نشان می‌دهد که وظایف نظارت در بافتی که انجام می‌گیرد، تعیین می‌شود. به نظر مولفین نظارت، یک رهبری آموزشی است که باید بتواند امور آموزشی را در جهت یادگیری ترتیب داده و هماهنگ سازد.

علاوه بر تعاریف فوق که متمرکز به شش مفهوم‌سازی عمده برای نظارت بود، تعاریف دیگر در مورد نظارت عبارتند از:

• در فرهنگ فارسی عمید، نظارت به معنای زیرکی و فراست، عمل ناظر و مقام او و مراقبت در اجرای امری و راهنمایی به معنای عمل راهنما و راه نشان دادن به کسی و هدایت، آمده است.

• در فرهنگ تعلیم و تربیت نظارت و راهنمایی چنین تعریف شده است:

«کوشش‌های مسئولان منتخب مدرسه برای راهنمایی و هدایت معلمان و دیگر کارکنان آموزشی در اصطلاح وضع آموزش و روش‌های تدریس که مستلزم تحریک رشد و پیشرفت حرفه‌ای معلمان، انتخاب هدف‌های آموزشی و تجدید نظر در آنها، مواد آموزشی، روش‌های تدریس، و ارزشیابی آنهاست.» مارکس و استوپز (۱۹۷۱) هرگونه فعالیتی را که به‌طور عمده برای اصلاح آموزش در کلاس درس صورت گیرد در حوزه نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌کنند.

• برتون و برواکر (۱۹۵۵) نظارت و راهنمایی آموزشی را خدمت فنی - تخصصی می‌دانند که هدف آن مطالعه و اصلاح همه عواملی است که بر رشد و پرورش کودک اثر می‌گذارد و معتقدند این کار وقتی به‌طور موثر انجام می‌گیرد که مبتنی بر همکاری گروهی باشد.

نظارت و راهنمایی مفهومی عام و کلی دارد. به این معنا که در همه سازمان‌ها و موسسات، اعم از ساده یا پیچیده، انتفاعی یا اجتماعی، بزرگ یا کوچک، دولتی یا خصوصی، سنتی با الگوهای اداری قدیمی یا مدرن و پیشرفته و مجهز به سیستم‌های الکترونیک - کاربرد دارد. ثبات و ادامه حیات هر سازمانی به نوعی مستلزم نظارت و راهنمایی است.

نظارت و راهنمایی آموزشی یا تعلیماتی، در آموزش و پرورش یکی از برنامه‌های رسمی سازمانی است که با دیگر نظام‌های رفتاری مربوط به آن (تدریس و یادگیری، مدیریت آموزشی و مشاوره و راهنمایی) ارتباط مستقیم و متقابل دارد. به عبارت دیگر، ضمن تاثیر در دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه، تحت تاثیر آنها نیز قرار می‌گیرد. این ارتباط و تعامل (کنش و واکنش متقابل) چنانچه منظم، هماهنگ و به‌طور مستمر باشد به معنای این است که هریک از نظام‌های رفتاری آموزش و پرورش به‌درستی وظایف خود را انجام می‌دهند. بنابراین این تعاملات نتایج مطلوبی خواهد داشت. درحالی‌که عدم ارتباط یا هماهنگی هرکدام از آنها به از هم گسیختگی برنامه‌های آموزشی منجر می‌شود و نیل به هدف‌های پیش‌بینی شده را دشوار می‌سازد.

راهنمای آموزشی، فردی است که برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی را در مدرسه طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌کند و با دیگر کارکنان مدرسه (معلمان، مدیر، مشاور تحصیلی و شغلی و روان‌شناس مدرسه) ارتباط متقابل دارد.

موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و نیل به هدف‌های آن در گرو عملکرد موثر دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه است و بدون آگاهی از نحوه فعالیت این‌گونه نظام‌های رفتاری موفقیت این برنامه‌ها بعید به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، اثربخشی برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی نه تنها به ارتباط راهنمایان آموزشی با دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه، بلکه به آگاهی آنان از نحوه عملکرد تمام نظام‌هایی که به نحوی در اجرای موثر وظایفشان به آنها یاری می‌رسانند نیز بستگی دارد.

- رابینسون در تحلیل مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی آن را چنین تعریف می‌کند: «نظارت و راهنمایی فرایندی آموزشی است که در آن کسی که دارای علم و مهارت بیشتری است مسئولیت آموزش فرد دیگری را که کمتر واجد این عناصر است برعهده می‌گیرد.»
- بن‌هاریس، از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، آن را به این صورت تعریف می‌کند: «نظارت آموزشی کارکنان مدرسه بر افراد و حتی اشیاء، به‌منظور اداره و کنترل مدرسه یا تغییر برنامه‌های آموزشی صورت می‌گیرد و به‌طور مستقیم در نیل به هدف‌های اساسی آموزشی مدرسه تاثیر دارد.» به عبارت دیگر، هم عوامل آموزشی مثل معلم، دانش‌آموز، برنامه درسی و دروس در پیشرفت آموزش دخیل هستند و هم عوامل غیرآموزشی مانند تسهیلات و تجهیزات، ساختمان، بودجه و مسائل کارکنان و این عوامل باید در ارتباط با یکدیگر درنظر گرفته شود.
- به اعتقاد آدامز و دیکی (۱۹۶۶) «فرایندی که باعث می‌شود تمام این عوامل یعنی عوامل آموزشی و عوامل غیر آموزشی آگاهانه برای پیشرفت یادگیری به‌طور موثر و همچنین کمک به کارآمدتر شدن معلمان به کار گرفته شود» نظارت و راهنمایی آموزشی نام دارد. برخی از دانشمندان دهه‌های اخیر، مدیریت آموزشی و نظارت و راهنمایی آموزشی را با هم مرتبط دانسته، نظارت را آن جنبه از مدیریت مدرسه می‌دانند که اساساً به برآوردن نیازهای آموزشی سازمان آموزش و پرورش کمک می‌کند. به نظر برخی دیگر نظارت فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که هدف آن اصلاح برنامه آموزشی و تدریس است.
- موشی و پریل در توضیح نقش نظارت در آموزش و پرورش، نظارت و راهنمایی را آموزش چگونگی تدریس به معلمان تعریف می‌کنند. به زعم آنان نظارت و راهنمایی آموزشی عبارت است از: رهبری حرفه‌ای برای تجدید سازمان آموزش و پرورش و به بیان دقیق‌تر تجدید نظر در برنامه درسی، روش تدریس و شیوه‌های مختلف آموزش عمومی.
- وایلز و باندی (۱۹۸۶) نظارت و راهنمایی را وظیفه کلی، پیچیده و دشوار رهبری تعریف می‌کنند که فعالیت‌های مربوط به آموزش و یادگیری را به‌طور هماهنگ اداره می‌کند.
- کیمبل وایلز (۱۹۶۷) در تفسیر جامع مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی، هدف اصلی از نظارت را اصلاح برنامه درسی، اصلاح روش تدریس، آموزش ضمن خدمت، تشویق به استفاده از مواد و ابزار کمک آموزشی هنگام تدریس، انجام ارزشیابی موثرتر و افزایش مشارکت جامعه در رشد و توسعه برنامه‌های مدرسه، همچنین اصلاح شرایط یادگیری برای دانش‌آموزان ردیابی می‌کند. درحقیقت به زعم وی نظارت فعالیتی خدماتی است که برای کمک به بهبود روش تدریس معلمان طراحی شده است.
- سر جیووانی و استارات (۱۹۹۳) در توضیح مفهوم نظارت و راهنمایی بیان می‌کنند که با توجه به تغییرات فراوان در زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش، نظارت به‌عنوان وظیفه‌ای اصلی در اداره مدارس در حال ظهور است و اگر قرار باشد راهنمایان آموزشی در تغییر، تجدید سازمان و احیای مدارس و اثربخشی آنها نقش مهمی ایفا کنند باید از نقش‌های سنتی خود فراتر روند و نباید هدف آنان صرفاً انجام‌دادن کار در مدرسه مطابق با موازین و معیارهای مشخص باشد. آنان معتقدند فرایند نظارت و راهنمایی آموزشی باید فرایندی پویا تلقی شود که مستلزم تفکر مجدد در مورد شرایط تدریس و یادگیری و همچنین مدرسه است.
- گلیگمان، گوردن و ردرس گوردن (۱۹۹۵) نظارت و راهنمایی آموزشی را از وظایف مدارس می‌دانند که از طریق کمک مستقیم به معلمان، توسعه برنامه درسی، رشد کارکنان، بالندگی گروهی و تحقیقات عملیاتی، فرایند آموزش را اصلاح می‌کند.
- علی رغم تغییرات و تحولات فراوانی که تاکنون در زمینه مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی روی داده است هنوز هم محور اصلی تعاریف بر اصلاح فرایند آموزش و یادگیری استوار است. به عبارت ساده‌تر، امروزه مسئولان مدارس با توجه به تغییرات سریع در نظام‌های آموزشی باز هم درصدد اصلاح فرایند آموزش و یادگیری و اثربخشی آن هستند ولی نه با ارزش‌های گذشته، بلکه با روش‌های نو به‌طوری که پاسخگوی نیازهای جامعه آموزش و پرورش باشد.
- نقش ناظران در یک محیط کاری و واقعی، اغلب توسط خود آنان تعیین می‌شود. شغل ناظران بیش از مسئولیت بهبود درس و هر وظیفه دیگری که به‌طور مستقیم به آنان محول می‌شود، مرکب از طرح‌های فعالیتی است که به نقش نظارت، هدف و منظور می‌بخشد.

ماهیت نظارت کلینیکی (معلم-محور)

هدف از نظارت معلم‌محور، رشد معلمان به لحاظ حرفه‌ای با تأکید بر بهبود کار آنان در کلاس درس است و تدریس اثربخش هدف نظارت معلم‌محور است. نظارت معلم‌محور یک فرایند، یک شیوه و یک سبک مشخص برای نزدیک شدن به معلمان است. برای اینکه ناظر بتواند این جریان عملی را مؤثر سازد و هدف اصلی نظارت معلم‌محور را تأمین کند باید فکر، احساس و عمل او با یکدیگر هماهنگ باشد. نظارت معلم‌محور بر عملکرد واقعی معلم در کلاس متمرکز است.

بیشتر معلمان از اینکه بر آنان نظارت کنند چندان دل خوشی ندارند و این در حالی است که نظارت بر آنان بخشی از آموزش و کار حرفه‌ای آنان محسوب می‌شود. معلمان همواره به‌صورت تدافعی به نظارت عکس‌العمل نشان می‌دهند و آن را مفید تلقی نمی‌کنند. این تعمیم فاقد استثنا نیست. بعضی از معلمان از نظارت بهره‌های فراوانی می‌گیرند و بعضی از ناظران مستعد و شایسته در کار با معلمان از مقبولیت و اثربخشی خاصی برخوردارند با این وجود شواهد دلالت دارد که اکثر معلمان مشمول تعمیم مذکور می‌شوند. آرتور بلامبرگ بررسی‌هایی که خود یا دیگران در رابطه با نظارت بر معلم انجام داده‌اند را مورد بازنگری قرار داده و چنان نتیجه‌گیری می‌کند که معلمان به نظارت به‌عنوان «بخشی از سیستم موجود می‌نگرند لیکن بخشی که هیچ نقش مهمی در زندگی حرفه‌ای آنان ندارد. نظارت درواقع تقریباً به شیوه و رسم متداول سازمانی می‌ماند که مناسبیت خود را از دست داده باشد».

در نظارت متداول ضمن خدمت ناظر که معمولاً مدیر مدرسه است، فرایند نظارتی به‌منظور ارزشیابی عملکرد معلم انجام می‌دهد. دستور ارزشیابی ممکن است توسط قانون، هیات آموزشی در محل و یا وزارت آموزش و پرورش صادر شود. این حالت در آغاز دو مسئله به‌وجود می‌آورد که معلمان به آنها واکنش منفی نشان می‌دهند. مسئله اول هنگامی به‌وجود می‌آید که نظارت با ارزشیابی همسان تصور شود. مردم معمولاً وقتی احساس کنند که مورد ارزشیابی واقع می‌شوند و به‌خصوص در هنگامی که ارزشیابی‌های منفی امنیت شغلی آنان را به مخاطره می‌اندازد، مضطرب می‌شوند.

مسئله دوم این است که نظارت به لحاظ نیاز ناظر به‌وجود می‌آید نه نیازی که توسط معلم احساس شود.

شکل بسیار دستوری نظارت بازتابی از نقش تاریخی ناظران به‌عنوان «بازرسان» مدرسه است. تا قرن هجدهم کمیسیون‌های غیرتخصصی منطقه‌ای عهده‌دار بازرسی مدارس به‌طور دوره‌ای بوده‌اند. هدف از این بازرسی مشخص کردن موضوع اعمال مقررات آموزشی بود. بازرسی مدارس توسط این گروه‌های غیرمتخصص تا زمانی ادامه می‌یابد که مدارس آن‌قدر بزرگ می‌شوند که هر مدرسه به بیش از یک معلم نیاز پیدا می‌کند. آنگاه عمل بازرسی بر عهده یک نفر از معلمان که از بین آنان با عنوان «معلم مدیر» تعیین می‌شود، قرار می‌گیرد. بالاخره این عنوان در واژه مدیر خلاصه می‌شود. سوء تفاهم دیگر هنگامی است که ناظر به‌عنوان مسئولی «صاحب حرف» معرفی شود. طبق آن ناظر کسی است که از فوق توصیه خردمندانه افاضه می‌کند که ظاهراً از یک گوش وارد و از گوش دیگر خارج می‌شود و یا به‌صورت مستقیم و بدون برخورد با مانعی عبور می‌کند یا با سپری نامرئی که مدافع معلم است برخورد کرده، برمی‌گردد. یک الگوی بهتر از شیوه‌های «رو در روی» نحوه بیان پهلوه‌پهلوه یا گوش‌به‌گوش است. در این حالت هر دو نظر به اطلاعات واقعی می‌نگرند و به تجزیه و تحلیل و تفسیر آن می‌پردازند و به‌عنوان همکار و نه به‌عنوان مخالف تصمیماتی می‌گیرند.

انواع راهنمایی

راهنمایی تحصیلی از لحاظ موضوعی از دیدگاه‌های گوناگون به انواع زیر تقسیم شده است:

الف) راهنمایی تحصیلی: همان‌طور که از نام آن پیداست در این نوع راهنمایی به فرد کمک می‌شود تا قادر گردد:

۱- رشته تحصیلی و دروس خود را به نحو مطلوب برگزیند.

۲- از قوانین و مقررات آموزشی و امتحانی مطلع گردد.

۳- مسائل و مشکلات درسی خود را شناسایی و برطرف سازد.

هدف این قسم راهنمایی موفقیت تحصیلی است. راهنمایی تحصیلی مقدمه راهنمایی حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد. اطلاع راهنمایان تعلیماتی و معلمان از راهنمایی تحصیلی یک ضرورت است.

ب) **راهنمایی حرفه‌ای:** از طریق راهنمایی حرفه‌ای به فرد کمک می‌شود تا با شناخت استعدادها و رغبت‌ها، محدودیت‌های خود، امکانات و ویژگی‌های مشاغل و حرفه‌های گوناگون، شغل مناسبی را برای خویشتن، به نحوی که نیازهای مادی و روانی او را ارضا نماید، برگزیند.

ج) **راهنمایی خانوادگی:** این قسم راهنمایی برای جلوگیری از تیره‌شدن روابط زن و مرد، پدر و فرزندان، مادر و فرزندان با یکدیگر و کشمکش‌های خانوادگی که ممکن است مشکلات زیادی را برای اعضای خانواده ایجاد کند، به کار گرفته می‌شود. از طریق آن با ارائه شیوه‌های تربیتی مطلوب به ایجاد تعادل و روابط سالم و سازنده بین افراد خانواده اقدام می‌گردد.

د) **راهنمایی بهداشتی:** از طریق راهنمایی بهداشتی، سلامت جسمی و روانی فرد تأمین می‌گردد و هدف عمده آن همان پیشگیری از ابتلا به بیماری جسمی و روانی است. بهداشت روانی به ثبات عاطفی، اعتماد به نفس و خودپنداری مثبت در فرد منجر شده و در نتیجه آن فرد برای خود و دیگران ارزش والایی قائل می‌گردد.

ه) **راهنمایی سازشی:** در راهنمایی سازشی مکلف می‌شود تا خود را با خویشتن، دوستان و اطرافیان و محیط سازگار سازد. این نوع راهنمایی گاهی بسیار سهل است مانند آشنا ساختن فرد با وضع مدرسه و موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که در آموزشگاه برای او فراهم می‌باشد و زمانی خیلی مشکل و سخت می‌باشد مانند اوقاتی که فرد قادر نیست بین خود و عوامل محیطی، سازگاری مطلوب ایجاد کند و یا اصولاً عاجز از «خودسازگاری» است و در اعمال و رفتار، نابهنجاری به وضوح قابل مشاهده است.

و) **راهنمایی و مشاوره اجتماعی:** این نوع راهنمایی و مشاوره به مسائل اجتماعی افراد در مشاغل مختلف اختصاص دارد. معمولاً به هنگام رفتاری‌ها و مشکلات اجتماعی، افراد می‌توانند به مراکز ویژه‌ای که به این نوع راهنمایی‌ها و مشاوره‌ها اختصاص یافته است مراجعه کنند و از راهنمایی و مشاوره افراد متبحر و متخصص که در این مراکز اشتغال به کار دارند، بهره‌مند گردند.

ز) **راهنمایی تعلیماتی:** مدیران و معلمان باید متناسب با پیشرفت علوم و تکنولوژی آن‌چنان راهنمایی گردند که در انتخاب روش مناسب تدریس، استفاده از وسایل آموزشی و بهبود روابط انسانی در مدرسه تغییرات و دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در رفتار و روابط خود با دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی به‌وجود آورند.

راهنمایی معلمان در انتخاب روش‌های مطلوب آموزشی و استفاده بهینه از امکانات موجود نه تنها تدریس را تسهیل و پربار می‌سازد بلکه شانس دانش‌آموزان را برای یادگیری مؤثر و مفید و بادوام افزایش می‌دهد.

اهداف راهنمایی

هدف‌های زیادی را برای راهنمایی می‌توان برشمرد. در زمره آنان می‌توان از خودشناسی، درک عمیق خویشتن و سازگاری واقع‌بینانه با محیط‌های آموزشی و تدریس را نام برد. درواقع هدف اصلی راهنمایی آن است که شخص به‌منظور ایجاد زندگی حرفه‌ای مفیدتر و رضایت‌بخش‌تر، در رفتار خود تغییرات مناسب را ایجاد کند.

اهداف راهنمایی را از نظر زمان به ۱- اهداف آنی یا نزدیک ۲- اهداف غایی یا نهایی تقسیم کرده‌اند. اهداف آنی بیشتر جنبه پیشگیری دارند. اهداف غایی راهنمایی فرد را به سوی خود رهبری سوق می‌دهند و او را برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌های مناسب آتی آماده می‌کنند. شناخت با تاکید بر توانمندی‌های فرد، پرورش اعتماد به نفس، تشخیص درست برای اخذ تصمیم‌های مهم در زندگی و قادر ساختن فرد به شناخت و حل مشکلات خویش در مراحل بعدی زندگی از جمله اهداف غایی راهنمایی به شمار می‌روند.

سیر تاریخی نظارت و راهنمایی و مفاهیم نظارت و راهنمایی

نظارت و راهنمایی در ایران نیز سابقه طولانی دارد. در زمان هخامنشیان وجود پیک‌هایی به نام «چشم و گوش شاه» نظارت مؤثر در سرزمین پهناور آن روز ایران را امکان‌پذیر می‌ساخت. چنین نظارتی در سایر زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی نیز اعمال می‌گردید.

با آیین زرتشت که قرن‌ها آیین رسمی ایران بود و بر اصل مبارزه پایه گذاری شده بود، نظارت و راهنمایی شکل جدیدی به خود گرفت. مردم راهنمایی شدند که با کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک از پلیدی‌ها و زشتی‌ها بپرهیزند و به پرستش اهورا مزدا، خالق دانایی‌ها و روشنایی‌ها بپردازند.

با پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان و پیروی ایرانیان از تعالیم گوهریار اسلامی و به ویژه تعالیم پیامبر گرامی (ص) خصوصاً روش علمی ایشان در تعلیم، تغییرات چشمگیری در نظارت و راهنمایی پدید آمد چرا که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) خود به آنچه می‌گفت عمل می‌کرد.

با تأسیس نظامیه‌ها و اداره آنها توسط متولیان، نظارت و راهنمایی گسترده‌تر گردید و ابعاد جدیدتری یافت. کهن‌ترین قانون مهمی که در خصوص آموزش و پرورش به تصویب رسیده است، قانون اساسی فرهنگ مصوب نهم آبان ۱۲۹۰ شمسی می‌باشد. در ماده ۱۲ آن چنین می‌خوانیم که:

«مفتش دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیررسمی حق ورود و تفتیش دارد و هیچ مدیری در هیچ دوره‌ای حق مخالفت ندارد.» توضیح آنکه مفتش دولتی عبارت از کسی بود که از طرف دولت تعیین و اعزام می‌گردید و به دو گروه تقسیم می‌شد:

- ۱- مفتشان وزارت معارف (فرهنگ بعدی و آموزش و پرورش فعلی)
 - ۲- مفتشانی که دولت صریحاً به منظور تفتیش در آموزش و پرورش تعیین و اعزام می‌داشت.
- در تفسیر دو ماده فوق، مجیدی (۱۳۵۴) چنین می‌نگارد که «مفتش» همان ناظر و بازرس است که باید بر حسن جریان امور تعلیم و تربیت نظارت کند و احتمالاً معلمان را نیز راهنمایی نماید.
- نظارت در قرن هجده و نوزده به شکلی از بازرسی اعمال می‌شد. ارتباط بازرسان با معلمان اغلب تشریفاتی، خشک، بی‌ثمر و تنبیهی بود. در دهه ۱۹۳۰ نظارت آموزشی تاثیر خود را در اجرا و نقش بازرسی از دست داد و ناظران که در پشت سر به نام «فضول‌بازی» لقب یافته بودند فقط از راه‌های بسیار رسمی و اداری می‌توانستند با معلمان در ارتباط باشند.
- در دهه ۱۹۴۰ نظارت بیشتر توجه خود را به رشد معلمان و بهبود جریانات آموزشی معطوف می‌کرد تا قضاوت بر عملکرد معلمان. در این دوره نظارت به‌عنوان یک رشته تخصصی در آموزش و پرورش درآمد و متون تخصصی و خاص آن تهیه و تدوین گردید.
- به ناظران در اوایل دهه ۱۹۶۰ لقب نمایندگی رشته‌های درسی داده شد و اکنون این نقش برای آنان پابرجاست. ناظران در این نقش وظایفی چون تفسیر طرح‌های برنامه تحصیلی، سازمان دادن مطالب درسی، درگیر ساختن معلمان در تدوین برنامه‌های آموزشی و مرجع علمی و آموزشی بودن برای معلمان را انجام می‌دهند. در دهه ۱۹۸۰، ناظران دارای مجموعه عجیب و غریبی از مشاغل و نقش‌ها با عناوینی چون دستیار آموزشی مدیر یا مدیر برنامه درسی شدند.
- جدول زیر تکامل و تحول در نقش‌های نظارتی را در مدت ۱۳۵ سال نشان می‌دهد.

بازرسی و مامور اجرای قوانین	• ۱۸۵۰-۱۹۱۰
نظارت علمی	• ۱۹۱۰-۱۹۳۰
همیاری در نظارت	• ۱۹۳۰-۱۹۵۵
رشد و توسعه برنامه تحصیلی	• ۱۹۵۵-۱۹۶۵
کلینیکی	• ۱۹۶۵-۱۹۷۰
مدیریتی	• ۱۹۷۰-۱۹۸۰
مدیریت آموزشی	• ۱۹۸۰

جدول ۱: تکامل نقش‌های نظارت

اکنون به شرح سیر تاریخی مفاهیم نظارت و راهنمایی می‌پردازیم.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان بازرسی مدرسه و کلاس درس

نظارت و راهنمایی پیش از سال ۱۹۰۰ به‌طور عمده از طریق بازرسی اداری و رسمی مدرسه و کلاس درس به‌وسیله افراد غیرحرفه‌ای و در بعضی موارد به‌وسیله شهروندان محلی یا مذهبی یا کمیته‌های ویژه متشکل از افراد عادی انجام می‌گرفت. در آن زمان، بازرسی به‌معنای تفتیش کار معلم و نگاه تیزبینانه و منتقدانه بازرسان به برنامه‌های مختلف مدرسه، به‌ویژه معلم بود. در حقیقت، از نظر تاریخی، بازرسی در آموزش و پرورش یکی از بازوهای اجرایی دولت برای اعمال کنترل و قدرت محسوب می‌شد. بازرسی به‌منظور نظارت بر کار معلم و اجرای قوانین و مقررات مدرسه بود و بر اجرای مقررات انضباطی و حفظ موازین و معیارهای حاکم بر آموزش و پرورش بیشتر تأکید می‌شد، تا اصلاح آموزش، مسائل تدریس و روش‌های اجرای آن، آموزش معلم، دانش‌آموز و پیشرفت تحصیلی او؛ به‌طور کلی، اصول و مبانی تعلیم و تربیت و جنبه‌های مهم آن هنوز مورد توجه متخصصان قرار نگرفته بود. در سال‌های اولیه قرن بیستم بازرسان که به‌طور عمده افرادی غیرحرفه‌ای بودند به‌تدریج جای خود را به متخصصان آموزشی دادند. با گسترش حیطه کنترل رؤسای مناطق آموزشی، راهنمایان آموزشی وظیفه نظارت بر کلاس درس معلمان را بر عهده گرفتند و برای اولین بار نظارت از وظیفه‌ای صفی به وظیفه‌ای ستادی تبدیل شد. تقریباً از آن زمان تا به حال راهنمای آموزشی، که قدرتش ناشی از قدرت رئیس منطقه آموزشی بود، بازرسی ستادی مدیریت باقی مانده است.

نظارت و راهنمایی علمی

در دهه‌های اولیه قرن بیستم آموزش و پرورش به‌شدت تحت تأثیر مفاهیم و یافته‌های «مدیریت علمی» قرار گرفت. در اوایل قرن بیستم، همزمان با تحولات جدید علمی و صنعتی، مفهوم نظارت و راهنمایی در مدارس تغییر یافت. به‌این‌ترتیب که به معلمان دستورالعمل‌هایی داده می‌شد که موظف بودند طبق آنها عمل کنند و هدف راهنمایان از بازرسی مدارس آگاهی از این امر بود که معلمان مطابق دستورات انجام وظیفه می‌کنند یا خیر.

تأثیرات ناشی از مدیریت علمی فردریک تیلور در آموزش و پرورش موجب پیدایی اندیشه‌ها، روش‌ها و یافته‌های جدیدی شد که مفاهیم سنتی نظارت و راهنمایی را تا حد زیادی متحول ساخت. در همین زمان بود که آموزش و نظارت و راهنمایی آموزشی به موضوعاتی تخصصی تبدیل شد. در اینجا به برخی از نتایج کاربرد مدیریت علمی در آموزش و پرورش اشاره می‌کنیم:

۱- **اصلاح رابطه بین معلمان و راهنمایان آموزشی:** یکی از نتایج کاربرد مدیریت علمی در آموزش و پرورش اصلاح رابطه بین معلمان و راهنمایان آموزشی بود. آن زمان راهنمایان آموزشی که روش کار معلمان را به‌طور دلخواه انتخاب و به آنان تحمیل می‌کردند، تحت تأثیر اصول مدیریت علمی به کشف قوانین آموزشی و یافتن بهترین روش‌های آموزشی و نظارت بر اعمال آنها به‌وسیله معلمان واجد شرایط و کارآموده مبادرت ورزیدند. به‌این‌ترتیب رابطه خشک و مستبدانه بین معلم و راهنمای آموزشی جای خود را به رابطه‌ای علمی و منطقی داد.

۲- **تعیین ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان:** یکی دیگر از نتایج نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش تعیین خصوصیات حرفه‌ای معلمان بود. این خصوصیات باید به دقت و در چارچوب خاصی تعیین و تدوین می‌شد. همان‌طور که گفتیم یکی از وظایف راهنمایان آموزشی این بود که بسنجند آیا روش کار معلمان با معیارهای وضع شده در آموزش و پرورش مطابقت دارد یا خیر و چنانچه با این معیارها مطابقت ندارد به آموزش مجدد آنان مبادرت کنند. برطبق این اصول راهنمایان آموزشی باید معلمان را با جزئیات کارشان و به‌ویژه روش‌های تدریس آشنا می‌کردند و برای دستیابی به نتایج مطلوب ابزار و لوازم مورد نیاز آنان را فراهم کرده، در اختیارشان قرار می‌دادند.

۳- **ایجاد انگیزه کاری:** نتیجه بارز نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش ایجاد تحرک و انگیزه لازم برای دستیابی به نتایج مطلوب آموزشی بود.

۴- **کشف و ابداع بهترین شیوه‌های تدریس:** تحول دیگری که تحت تأثیر مفاهیم جدید نظارت و راهنمایی علمی به‌وجود آمد حاکم شدن جو علمی بر آموزش و پرورش بود، یعنی تأثیر یافته‌های علمی بر ابعاد و اجزای گوناگون آن؛ تا قبل از آن، نگرش حاکم بر مسائل آموزش و پرورش مبتنی بر نتایج تحقیقات علمی نبود، بلکه مبتنی بر تجارب شخصی و بیشتر از آن مبتنی بر سیاست‌های اداری بود که به‌وسیله افراد خاص و برگزیده‌ای وضع شده بود.

۵- **محور قرار گرفتن دانش آموز:** یکی دیگر از نتایج تاثیر اصول مدیریت علمی و کاربرد یافته‌های آن در آموزش و پرورش، این بود که برای اولین بار دانش آموز محور اصلی برنامه‌های آموزشی قرار گرفت. به این ترتیب باید همه کارکنان و وسایل و تجهیزات آموزشی در جهت به حداکثر رساندن رشد و پرورش دانش آموز به کار گرفته می‌شدند و معلمان نیز به عنوان کسانی که عامل اصلی این باروری یا بهره‌وری بودند باید به حداکثر کارایی و اثر بخشی در کارشان نایل می‌گردیدند. در نتیجه، نویسندگانی مانند جورج کایت در آن زمان هنگام بحث در مورد نظارت و راهنمایی آموزشی آن را «رشد حرفه‌ای معلم تا آنجا که کارآمدترین فرد حرفه‌ای گردد»، تعریف کردند.

۶- **تاکید بر سنجش و تحقیق:** یکی دیگر از نتایج نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش تاکید بر آزمایش و تحقیقات کنترل شده به وسیله متخصصان بود. در ابتدای کار، آزمایش و تحقیق فقط به وسیله متخصصان انجام می‌گرفت، اما به تدریج معلمان نیز به سنجش و تحقیق پرداختند.

به طور خلاصه، نظارت و راهنمایی علمی واکنشی بود نسبت به ابهام اهداف و وظایف نظارت و راهنمایی آموزشی در آن دوره و همچنین راه حل جدیدی برای مسائل و مشکلات آموزشی‌ای که آموزش و پرورش با آن مواجه بود، تلقی می‌شد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان روابط انسانی آزادمنشانه

در اواخر دهه ۱۹۲۰ اعتراض به تعیین برنامه درسی و روش تدریس به وسیله مدیران رده بالای آموزش و پرورش و تحمیل آن به معلمان بیشتر شد. تقریباً اکثر نویسندگان هدف از نظارت را راهنمایی معلمان می‌پنداشتند، نه بازرسی و تعیین روش‌های تدریس و برنامه‌های درسی برای آنان.

در پی تغییرات وسیع اجتماعی و اقتصادی که در این سال‌ها روی داد به تدریج احترام به شخصیت انسان (معلم) و تشویق به مشارکت گسترده معلمان در تدوین برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها بیشتر مورد تاکید قرار گرفت. مسئولیت راهنمایان آموزشی که در این زمان مشاور نامیده می‌شدند این بود که محیط مناسبی برای تشریک مساعی همه کارکنان آموزشی فراهم کنند تا از این طریق هدف آنان، یعنی اصلاح و پیشرفت همه کارکنان به جای صرفاً معلمان، تحقق یابد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح روش تدریس

در دهه ۱۹۲۰ به زعم برخی نویسندگان اصلاح و بهبود روش‌های تدریس معلمان از اصلی‌ترین وظایف راهنمایان آموزشی به شمار می‌رفت. همه افرادی که در امر آموزش و پرورش در مدارس فعالیت داشتند سعی می‌کردند به طرق مختلف فرایند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند و مسائل و مشکلات آموزشی معلمان را مرتفع نمایند. بنابراین راهنمایان آموزشی به طور مستمر و منظم کار معلمان را ارزشیابی کرده، در جلسات مشترکی با آنان نتایج اصلاحات ایجاد شده را تجزیه و تحلیل می‌کردند. علاوه بر این، در این دوره طرح و تدوین دروس نیز از وظایف مهم راهنمایان آموزشی به شمار می‌رفت. به طور خلاصه، راهنمایان آموزشی سعی داشتند با یافتن روش‌های جدید مدارس را به طور کارآمدتری اداره کنند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان رهبری آموزشی آزادمنشانه

در دهه ۱۹۳۰ به دلیل تاکید اساسی بر نظارت و راهنمایی دموکراتیک یا آزادمنشانه، با معلمان به نحوی رفتار می‌شد که مجبور می‌شدند از طریق این نوع رفتار و روابط دوستانه که غالباً بر جنبه‌های انسانی تاکید داشت، فعالیت‌هایی را که راهنمایان آموزشی برعهده آنها گذاشته بودند، انجام دهند. در این دوره نظام آموزش و پرورش به صورت متمرکز اداره می‌شد و نظارت و راهنمایی آموزشی که بخشی از آموزش و پرورش قلمداد می‌گردید هنوز به صورت دستوری اداره می‌شد؛ چون با پیدایش مفاهیم جدید در آموزش و پرورش موجب تغییرات و تحولات زیادی در همه ارکان آن شد، شیوه اداره آن کم و بیش به همان سبک دستوری گذشته بود و مدیران و معلمان ملزم به انجام دادن فعالیت‌ها و اجرای مصوبات و برنامه‌هایی بودند که از طرف سطوح بالاتر سازمان به آنان دیکته می‌شد. امروزه این نوع نظام آموزشی را که معمولاً در آن اهداف، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلی از طرف رده‌های بالای سازمان تعیین می‌شود، در اصطلاح «سازمان متمرکز» می‌نامند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان رهبری آموزشی مبتنی بر همکاری گروهی

در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و حتی قبل از آن، برخی از نویسندگانی که در زمینه نظارت و راهنمایی آموزشی تحقیق می‌کردند آن را نظارت و راهنمایی تعاونی یا مشارکت و همکاری تلقی می‌کردند. به زعم ایشان کسانی که در سیستم آموزشی فعالیت می‌کنند باید یکدیگر را در امور آموزشی راهنمایی کرده، برای رفع مشکلات خود از تجربیات و نظریات افراد کارآزموده و مجرب استفاده نمایند، خواه آنان به‌طور رسمی راهنمای آموزشی باشند، خواه نباشند. در این دوره بر مشارکت و همکاری گروهی همه کارکنان مدرسه در بهبود وضع آموزش تأکید می‌شد.

اساس کار راهنمایان آموزشی، مشاهده، ارزیابی و گزارش کار معلم بود. همزمان با توسعه و گسترش آموزش و پرورش و تغییرات اقتصادی، اجتماعی، دانش‌آموز، محور برنامه‌های آموزشی قرار گرفت و به معلم که تا آن زمان به‌عنوان یک عنصر انسانی نادیده گرفته شده بود، بیشتر توجه شد. با رشد سریع تعداد دانش‌آموزان، توسعه مدارس و افزایش مسئولیت‌های مدیران جنبه‌هایی از سبک‌های آزادمنشانه‌تر رهبری در آموزش و پرورش ظهور پیدا کرد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی و ارشاد

از دهه ۱۹۳۰ به بعد مفهوم دیگری از نظارت و راهنمایی در آموزش و پرورش اشاعه یافت که هدف آن فقط راهنمایی معلمان بود. به این معنا که از میان اجزا و جنبه‌های مختلف فرایند تدریس و یادگیری فقط معلم را در نظر گرفته و سعی می‌شد از طریق بهبود کارایی معلمان کیفیت تدریس بالاتر رود. سپس به تدریج دانش‌آموز نیز به‌عنوان جزء دیگر فرایند تدریس و یادگیری مورد توجه قرار گرفت. به‌طور کلی هدف از این نوع نظارت و راهنمایی در مدارس بالابردن کیفیت آموزش از طریق رفع مشکلات معلمان و دانش‌آموزان بود.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح برنامه درسی

این مفهوم در آموزش و پرورش با طرح، تهیه، تدوین و سازماندهی برنامه‌های درسی آغاز شد. در این مفهوم بر رفع نقاط ضعف معلم، اصلاح روش تدریس یا رفع مشکلات آنان تأکید نمی‌شد، بلکه تجدید نظر در برنامه‌های درسی مورد توجه بود. صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که اگر ابزار مورد استفاده معلم و دانش‌آموز، یعنی کتاب و همچنین درس، مورد تجدید نظر قرار گیرند و اصلاح شوند، خودبه‌خود در فرآیند آموزش و یادگیری تغییرات مطلوبی ایجاد خواهد شد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان فرایندهای گروهی

این مفهوم در آموزش و پرورش ابتدا با ارزیابی کار معلم و گرفتن آزمون از دانش‌آموزان به‌منظور تعیین میزان موفقیت برنامه‌های آموزشی آغاز شد.

به زعم برخی از نویسندگان این دوره، برای نیل به نتایج مطلوب آموزشی، برنامه‌ریزی در مدرسه باید از طریق فرایندهای گروهی انجام می‌پذیرفت به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی آموزشی امری گروهی تلقی می‌شد، نه شخصی یا انفرادی؛ همچنین در این دوره به‌طور عمده بر ارزیابی معلم از خود بیش از ارزیابی راهنمای آموزشی از معلم تأکید می‌شد. بنابراین، خودسنجی معلم (ارزشیابی او از خود) معیاری برای رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوتش قرار گرفت.

نظارت و راهنمایی خلاق یا مبتنی بر خلاقیت

همه معلمان تا زمانی که در حرفه معلمی خدمت می‌کنند نیاز به اصلاح شیوه تدریس خود دارند و هر وسیله و ابزاری که قادر باشد آنها را به‌صورت معلم استاد درآورد باید در اختیار آنها قرار گیرد.

در نظارت و راهنمایی مبتنی بر خلاقیت بسیاری از مفاهیم قبلی نظارت برای آموزش و تربیت معلم استاد به کار گرفته شد. به زعم نویسندگان، معلم فردی بود که فردیت او به‌عنوان انسانی کامل و عنصری مستقل در تدریس موفق و کیفی بازتاب می‌یافت. همچنین نیروی تفکر و اندیشه خلاق معلمان، افرادی که مسئول آموزش دانش‌آموزان بودند، محور برنامه‌های آموزشی قرار گرفت.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان توسعه برنامه درسی

بررسی تاریخی مفاهیم نظارت و راهنمایی نشان می‌دهد که در اواخر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ با تأکید بر پیشرفت کار آموزش وقت زیادی برای کمک به معلمان صرف می‌کردند و کمتر در مورد کار آنان به قضاوت می‌پرداختند. تفوق و برتری علمی شوروی سابق در سال ۱۹۵۷ (با پرتاب اولین ماهواره به فضا) باعث ایجاد تغییرات و تحولات سریع و زیادی در آموزش و پرورش کشورهای غربی شد. برای جبران خلاء ناشی از این عقب‌ماندگی علمی برنامه‌های جدیدی، به‌ویژه در زمینه ریاضیات، علوم و زبان‌های خارجی، طراحی و اجرا شد و مبالغ هنگفتی برای تغییر برنامه‌های قدیمی و توسعه برنامه‌های جدید صرف گردید. توسعه برنامه‌های درسی نقطه عطف این تغییرات و هدف از آن اصلاح و ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی بود. در پی این تغییرات نقش راهنمای آموزشی هم تغییر یافت. در بسیاری از مناطق آموزشی راهنمایان آموزشی مسئولیت توسعه برنامه‌های درسی جدید را برعهده گرفتند. وظیفه معلمان به دست آوردن اطلاعات و توسعه مهارت‌هایی بود که آنها را قادر سازد برنامه‌های جدید طراحی شده را با موفقیت اجرا کنند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی به وسیله افراد بومی (عضو ثابت گروه آموزشی)

نظارت و راهنمایی با این مفهوم، از راهنمایی معلمان به‌وسیله مسئولان آموزش و پرورش از خارج از مدرسه شروع شد. نخست مسئولان آموزشی رده بالاتر آموزش و پرورش منطقه بر کار معلمان در مدارس نظارت داشتند. سپس این مسئولیت برعهده معلمان برجسته و ممتاز خود مدارس قرار گرفت و سعی شد از میان معلمان ثابت و عضو گروه‌های آموزشی توانمندترین و شایسته‌ترین آنان به راهنمایی مبادرت کنند. اما به‌منظور طرح برنامه‌های درسی جدید و بسط گروه‌های آموزشی و تشکیل گروه‌های پژوهشی برای حل مشکلات آموزشی، بار دیگر مسئولیت راهنمایی معلمان مدارس از معلمان برگزیده گروه‌های آموزشی به‌عنوان راهنمایان آموزشی به کارکنان مناطق مرکزی آموزش و پرورش تفویض شد.

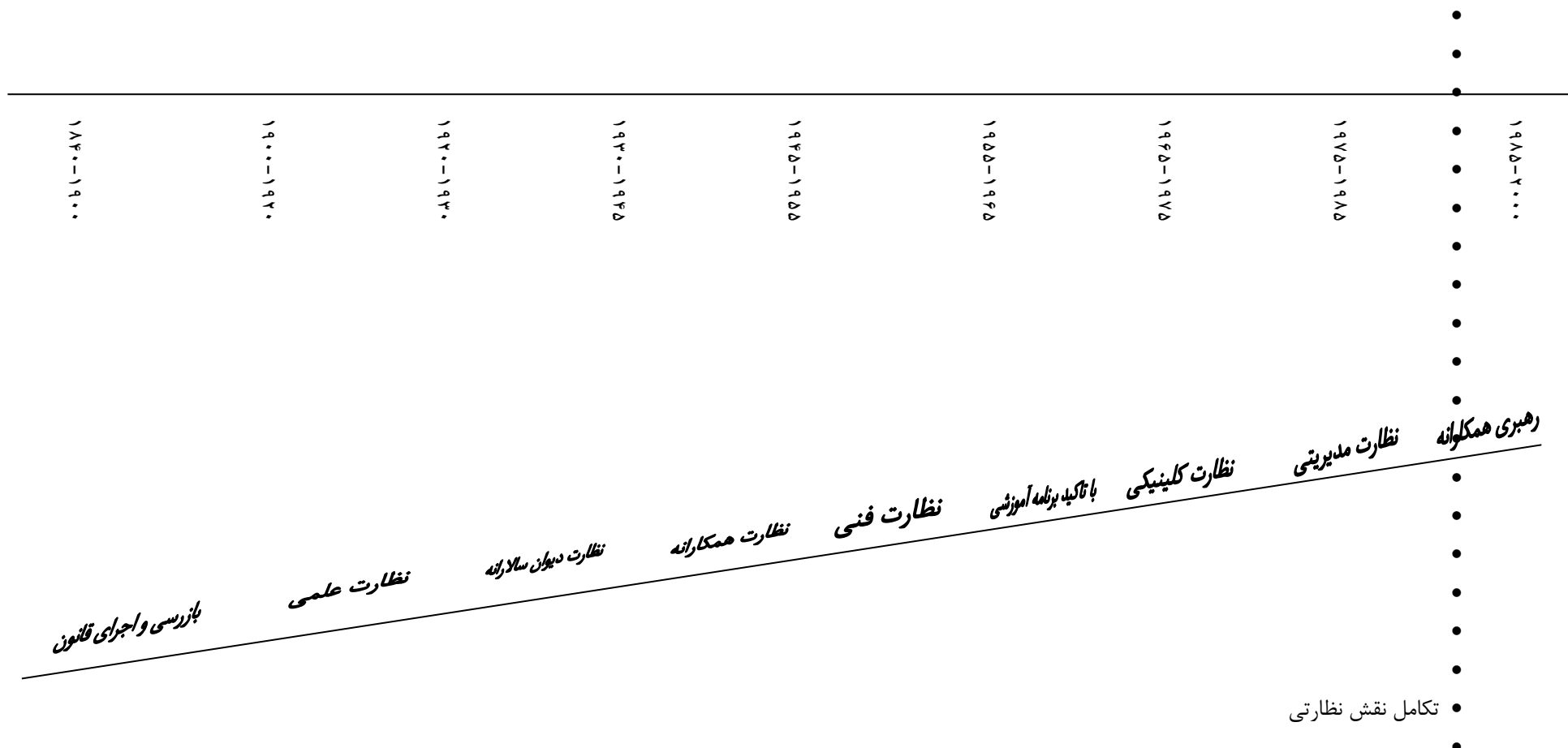
مفاهیم و جهت‌گیری‌های نظارت و راهنمایی بعد از دهه ۱۹۵۰

به زعم برخی از نویسندگان نظارت و راهنمایی در دهه ۱۹۵۰ دیگر به مفهوم بازرسی، پیدا کردن نقاط ضعف معلم، حذف طرح‌های نامناسب و استفاده از روش‌های دستوری و اجرای آنها به وسیله اشخاص خاص نبود، بلکه به مفهوم بررسی و تحلیل کل فرایند تدریس و یادگیری، هدف‌ها، ابزار و وسایل، روش‌ها، معلم، دانش‌آموز و محیط کار بود. در دهه ۱۹۶۰ بار دیگر نقش و وظیفه راهنمایان آموزشی تغییر یافت. به این معنا که برخی از راهنمایان آموزشی خود را عامل اصلی هدایت فرایند تغییر در مدارس می‌دانستند و مشکلشان پیدا کردن استراتژی مناسب برای هدایت این تغییر بود و برخی دیگر خود را افرادی حرفه‌ای می‌پنداشتند که باید مشکلات برنامه درسی و تدریس را حل کنند. به‌طور کلی، فعالیت‌های راهنمایان آموزشی در این دهه به فعالیت در زمینه تعیین موضوعات درسی، تنظیم برنامه‌های درسی، سازماندهی تجهیزات و تسهیلات مدرسه، مشارکت دادن معلمان در تهیه برنامه‌های درسی و کمک به آنان در تدریس خلاصه می‌شد. علاوه بر اینها، بسیاری از راهنمایان آموزشی از طریق برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت به آموزش و بازآموزی معلمان می‌پرداختند. در دهه ۱۹۷۰ با اینکه عواملی مانند تشکیل اتحادیه‌های معلمان در روابط بین راهنمایان آموزشی و معلمان موانعی ایجاد کرد، راهنمایان آموزشی همچنان به کار خود و حمایت از معلمان ادامه دادند. کار می‌کردند و در بسیاری از مناطق آموزشی به‌علت کم‌اهمیت شدن نقش آموزشی راهنمایان کار آنان بیشتر جنبه مدیریتی پیدا کرد و مفهوم جدید مدیریت آموزش مورد توجه قرار گرفت. در نظام‌های آموزشی پیشرفته، برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی به‌طور وسیعی به کار گرفته شده است. هدف از این تلاش‌ها حفظ و تداوم هماهنگی مدارس و معلمان با الگوهای توسعه در جامعه است. مسئولان نظارت و راهنمایی سعی می‌کنند این‌گونه برنامه‌ها را به نحوی طراحی و اجرا کنند که پاسخگوی نیازهای گوناگون و در حال تغییر معلمان و دانش‌آموزان باشد. اگرچه مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی به‌طور مستمر در حال تغییر و تکوین است و تعمیم یکی از این مفاهیم برای آینده کار دشواری است، همچنان اصلاح فرایند آموزش، نقش اساسی و اولیه نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌شود. ارتقای سطح کیفیت تدریس معلمان، تخصصی و

حرفه‌ای شدن کار معلمی و در نتیجه بهبود شرایط یادگیری برای دانش‌آموزان از هدف‌های کنونی نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس است. به تعبیر سرجیووانی و استارات (۱۹۹۳) در شرایطی که مدارس در ابعاد گوناگون به شدت تغییر یافته و این تغییرات تفکر و درک تازه‌ای را از همه اجزا و ارکان مدارس را ضروری ساخته است، نظارت و راهنمایی آموزشی هم باید دوباره تعریف شود و این تعریف نه تنها باید روش‌های جدیدی را برای انجام دادن کارها و وظایف قدیمی دربرگیرد، بلکه باید در نظریه‌ای که تفکر و عمل نظارت و راهنمایی آموزشی بر آن استوار است نیز تغییر ایجاد کند.

تحول مفاهیم نظارت و راهنمایی در ادوار مختلف تاریخی

دوره	تئوری نظارت	افراد مسئول نظارت و راهنمایی	فعالیت‌ها و عملیات
اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم	مستبدانه، بازرسی اداری و اجرای اجباری	بازرسان غیرحرفه‌ای (افراد عادی)، کشیش‌ها و کمیته‌ها	۱- بازدید از مدارس برای کنترل معیارها ۲- معلمان به‌عنوان ابزارهایی تلقی می‌شدند که مدیر باید بر کار آنان نظارت کند.
اوایل قرن بیستم تا دهه ۱۹۲۰	مستبدانه، بازرسی اداری و اجرای اجباری	روسای مناطق آموزشی، معلمان، مدیر و متخصصان	۱- موضوعات جدید خدمات متخصصان را ایجاد می‌کرد. ۲- نظارت همچنان یکی از بازوهای اداری محسوب می‌شد. ۳- بازدید از کلاس درس و بررسی مشاهدات
دهه ۱۹۲۰	نظارت و راهنمایی علمی	مدیران، راهنمایان آموزشی و ناظران ویژه	۱- مسئول نظارت باید «قوانین» آموزش و پرورش را کشف کند و از طریق معلمان آنها را به کار ببندد. تحقیق و سنجش در قلمرو نظارت و راهنمایی محسوب می‌شد. معلمان ملزم بودند یافته‌های تحقیقات را به کار ببندند. ۲- بازدید از کلاس درس برای مشاهده روش‌شناسی تحقیق.
دهه ۱۹۳۰	برقراری روابط انسانی آزادمنشانه و نظارت و راهنمایی بوروکراتیک	مدیران و راهنمایان ویژه (صفی و ستادی)	۱- عواطف و احساسات معلمان در کار و عمل مورد توجه قرار گرفت و به آنها توجه شد. ۲- بازدید از کلاس درس
دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۵۰	نظارت و راهنمایی مبتنی بر تشریک مساعی و تصمیم‌گیری گروهی	مدیران و راهنمایان ویژه	۱- مشاهده کلاس درس ۲- آموزش‌های ضمن خدمت
دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۶۰	نظارت به‌عنوان توسعه برنامه درسی، تصمیم‌گیری گروهی، نظارت به‌عنوان عامل تغییر و نظارت از طریق استدلال نظری و بینش و بصیرت عملی	مدیران و راهنمایان ویژه، راهنمایان آموزشی و برنامه‌ریزان درسی	۱- تعیین دقیق نتایج مطلوب و رفتارهای مناسبی که برای حصول به آنها ضرورت داشت ۲- کار و عمل از طریق مشارکت گسترده همه افراد ذی‌نفع در فرآیندهای تحقیق و ارزیابی نتایج ۳- بازدیدهای کلاسی ۴- تأکید بر آموزش‌های ضمن خدمت
اواسط دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰	نظارت و راهنمایی بالینی، تئوری سازمانی و مدیریت سیستمی	راهنمایان خدای برنامه‌ریزان درسی و مشاوران	۱- شناخت ۲- طراحی نظام‌های آموزشی ۳- کارایی و اثربخشی سازمانی ۴- مسئول و پاسخگو بودن
دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰	نظارت به‌عنوان مدیریت	مدیران صف و راهنمایان آموزشی	همکاری با معلمان و حمایت از آنان برای اصلاح فرآیند آموزش
دهه ۱۹۸۰ و بعد از آن	مدیریت آموزش	معاون آموزشی، مدیر مدرسه، مدیر برنامه، راهنمای آموزشی و همه کارکنان مسئول، درگیر و ذی نفع در مدرسه، منطقه و جامعه	تأکید بر اصلاح آموزش و یادگیری به‌عنوان نقش اولیه نظارت و راهنمایی در مدرسه



• (بهرنگی، نظارت در مدیریت، ص ۲۵)

نکات:

- نظارت و راهنمایی تعلیماتی به عنوان اصلاح برنامه آموزشی تأکید بر تجدید سازمان برنامه درسی و تحصیلی دارد.
- نظارت و راهنمایی آموزشی مبتنی بر خلاقیت با به کارگیری کلیه مفاهیم نظارت، به شخصیت و فردیت معلم برای پرورش معلم و استاد اهمیت زیادی قائل بود.
- در مفهوم نظارت و راهنمایی به عنوان فرآیند گروهی تأکید راهنمای آموزشی بر خودسنجی معلم است.
- تفسیر نوین مفهوم نظارت و راهنمایی مبتنی بر آزمایش، تجربه و عمل است.
- در مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی علمی، برای اولین بار ویژگی حرفه‌ای معلمان باید دقیقاً تعریف می‌شد و منطبق با استانداردهای وضع شده به اجرا در می‌آمد.
- تعیین اهداف و روش‌های جزئی برای رشته نظارت آموزشی و در نتیجه مشخص شدن حدود و قلمرو نظارت در مدرسه حاصل تأثیر مکتب مدیریت علمی و تئوری‌های صفت‌گرایی بود.
- در ترتیب نقش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی، ابتدا رهبری، سپس هماهنگی، ارزشیابی و در آخر مدیریت است؛ یعنی سعی کردن برای آنکه بتوان آموزش را بهبود بخشید. بنابراین نقش مدیریتی مربوط به نقش‌های نظارت و راهنمایی آموزش نیست.
- در ارتباط با تئوری علمی نظارت و راهنمایی، این تئوری بر مسائل مربوط به روش‌های دقیق و علمی و بهبود اثربخشی و کارایی سازمان تأکید دارد.
- در نظارت و راهنمایی آموزشی خودکفایی آموزش معلمان به معنای به کارگیری وسایل و تکنولوژی آموزشی توسط آنان است.
- یکی از اصلی‌ترین اهداف نظارت و ارزشیابی، مسئولیت داشتن در قبال کار خود و دیگران است.
- براساس تفکر نظارت و راهنمایی آموزشی مبتنی بر خلاقیت، تربیت و آموزش «معلم استاد» قوت گرفت.
- یکی از نقش‌های راهنمایی تعلیماتی تحریک و ترغیب معلمان برای اصلاح خود می‌باشد.
- اعمال نظارت و راهنمایی در کلاس وقتی ایده‌آل می‌باشد که با مشارکت راهنمای تعلیماتی و مدیر مدرسه صورت گیرد.
- نظارت و راهنمایی باید در راستای بهبود نگرش و بینش‌های همه کارکنان مدرسه انجام گیرد.
- در یک برنامه آموزشی خوب تأکید اصلی نظارت و راهنمایی بر جریان یاددهی - یادگیری است.
- با توجه به تأثیری که شرایط در دو دهه اخیر روی نقش نظارت و راهنمای آموزشی گذاشته است، مدیریت آموزشی بیشتر نمایانگر نقش ناظر راهنما در این زمان است.
- نمود یا خاصه عمده در مفهوم سازی مدیریت اداری در نظارت و راهنمایی، عبارتست از: حصول به انتظارات آموزشی با سیستم آموزش و پرورش.
- کمک به تدوین برنامه درسی جزء توانایی‌های ویژه راهنمایان آموزشی محسوب نمی‌شود.
- با توجه به روال تکامل نقش‌های نظارت و راهنمایی در طول تاریخ، پیش‌بینی می‌شود که نظارت و راهنمایی در دهه اول قرن ۲۱ نقش رهبری توأم با تشریک مساعی را بازی می‌کند.

سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- هدف اصلی نظارت و راهنمایی آموزشی عبارت است از:
 - (۱) کمک به معلم در اداره بهتر کلاس درس
 - (۲) اصلاح و بهبود وضع آموزشی و تدریس
 - (۳) ارزشیابی صحیح از برنامه‌های درسی
 - (۴) کمک به مدیران و معلمان در برخورد بهتر و مطلوب‌تر با دانش‌آموزان
- ۲- از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ نظارت و راهنمایی آموزشی چه عنوانی به خود گرفت؟
 - (۱) مدیریت آموزشی
 - (۲) نظارت و راهنمایی مبتنی بر تشریک مساعی
 - (۳) نظارت و راهنمایی بالینی
 - (۴) نظارت و راهنمایی علمی
- ۳- اگر رهبری آموزشی مبتنی بر واداشتن افراد به اطاعت صرف باشد، رهبری مطابق با کدام یک از سبک‌های زیر است؟
 - (۱) بوروکراتیک
 - (۲) خودمداری
 - (۳) دستوری
 - (۴) قانون‌مداری
- ۴- وظایف راهنمایان آموزشی به کدام سطح از سازمان مربوط می‌شود؟
 - (۱) اداری
 - (۲) مدیریتی
 - (۳) فنی
 - (۴) نهادی- اجتماعی
- ۵- امروزه، بیشتر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت چه نوع تلقی یا برداشتی از مفهوم نظارت و راهنمایی تعلیماتی دارند؟
 - (۱) اداری
 - (۲) آموزشی
 - (۳) مدیریتی
 - (۴) هدایت و سرپرستی
- ۶- نظارت کلینیکی به معنای چیست؟
 - (۱) مباحثه ناظر و معلم درباره کشف ضعف‌ها، مشاهده وضع رفتار در کلاس و بازخورد برای برطرف ساختن آنها است.
 - (۲) مشاهده‌ای از تدریس معلم در کلاس درس است.
 - (۳) مباحثه با صاحب‌نظران و مشاوره با آنان برای یافتن راه و حل‌هایی برای مشکلات معلمان
 - (۴) ایفای نقش نظارتی در امور اداری، آموزشی و درسی در سطوح کلاس درس و منطقه است.
- ۷- کدام مورد زیر نشان‌دهنده توانایی ویژه ناظران و راهنمایان تعلیماتی نمی‌باشد؟
 - (۱) ناظران در آموزش درسی متخصص هستند.
 - (۲) ناظران با روابط انسانی سر و کار دارند.
 - (۳) ناظران به رشد افراد کمک می‌کنند.
 - (۴) ناظران بازرسان و مامور اجرای قوانین می‌باشند.
- ۸- با توجه به قیاس مشاهده تلویزیون و آئینه، کدام عبارت نمود نظارت کلینیکی (معلم‌محور) است؟
 - (۱) نگاه معلم به ناظر مثل نگاه به آئینه است.
 - (۲) ناظر به آئینه می‌نگرد و معلم به تلویزیون.
 - (۳) ناظر و معلم هر دو به تلویزیون نگاه می‌کنند.
 - (۴) حرف‌های معلم به گوش ناظر می‌رسد ولی به آنها عکس‌العمل نشان نمی‌دهد.
- ۹- کدام یک از منابع اختیار راهنمایان آموزشی برای کار موثر با معلمان چندان ضرورتی ندارد؟
 - (۱) بورکراتیک
 - (۲) تخصصی و حرفه‌ای
 - (۳) شخصی
 - (۴) قانونی
- ۱۰- کدام یک از عناصر زیر حائز بیشترین اهمیت در توسعه و تحقق هدف‌های آموزشی یک کشور محسوب می‌شود؟
 - (۱) نیروی انسانی آموزش دیده
 - (۲) مدیریت و رهبری اثربخش و کارآمد
 - (۳) تخصیص بودجه و امکانات مناسب
 - (۴) برنامه‌ریزی‌های راهبردی
- ۱۱- سازمان‌های آموزشی، در درجه اول چه نوع سازمانی هستند؟
 - (۱) اجتماعی
 - (۲) رسمی
 - (۳) سیاسی
 - (۴) فرهنگی

۱۲- نظارت متمرکز بر رهبری شامل چه فرایندهایی است؟

- (۱) تفکر، تحقیق، آینده‌نگری و ارزشیابی
- (۲) تفکر، آینده‌نگری، طرح‌ریزی و ارزشیابی
- (۳) برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و ارزشیابی
- (۴) تفکر، برنامه‌ریزی، سازماندهی و ارزشیابی

۱۳- منظور از نظارت همتا چیست؟

- (۱) دریافت بازخورد در خلال تبادل نظر
- (۲) یاددهی چگونه یاد دادن به یاددهندگان
- (۳) برهم‌زدن رسم متداول و جایگزینی رسمی دیگر
- (۴) نظارت معلمان بر یکدیگر

۱۴- امروزه، مفهوم نظارت و راهنمایی تعلیماتی در آموزش و پرورش بیشتر روی چه جنبه‌ای تاکید می‌کند؟

- (۱) روابط انسانی
- (۲) انجام وظیفه مطابق انتظارات
- (۳) انتقال دانش و مهارت‌ها در عمل از فرد کارآموده به فرد کارآموز
- (۴) هدایت کردن، تذکر دادن و بازرسی

۱۵- هدف اساسی نظارت و راهنمایی تعلیماتی چیست؟

- (۱) رشد کارکنان
- (۲) راهنمایی و مشاوره تحصیلی، شغلی، روحی و روانی دانش‌آموزان
- (۳) اصلاح امور مربوط به یاددهی و یادگیری
- (۴) حسابرسی، کنترل و تنظیم آمار و اطلاعات

۱۶- ناظر و راهنمای تعلیماتی برای توسعه روابط انسانی، باید در کدام‌یک از سطوح نیازهای مازلو باشد؟

- (۱) ایمنی
- (۲) روابط اجتماعی
- (۳) خودشکوفایی
- (۴) عزت نفس

۱۷- در کدام‌یک از روش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی، وظیفه اصلی ناظر، بهبود روحیه کارکنان و ایجاد نشاط در محیط آموزش است؟

- (۱) نظارت بالینی
- (۲) خودنظارتی
- (۳) نظارت بر منابع انسانی
- (۴) نظارت مبتنی بر روابط انسانی

۱۸- چنانچه دانش‌آموزان مدرسه‌ای از پیشرفت تحصیلی خوبی برخوردار نباشند، چه فرد یا افرادی در قبال این نتایج مسئول هستند؟

- (۱) خود دانش‌آموزان
- (۲) راهنمای آموزشی و مدیر
- (۳) معلمان و دانش‌آموزان
- (۴) عوامل فنی و مدیریتی مدرسه

۱۹- کدام‌یک از عوامل زیر در پیشبرد اهداف نظارت و راهنمای آموزشی نقش موثرتری را ایفا می‌کنند؟

- (۱) مدیران
- (۲) معلمان
- (۳) دانش‌آموزان
- (۴) برنامه‌ریزان درسی

۲۰- در کدام‌یک از مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی برای اولین بار ویژگی حرفه‌ای معلمان باید دقیقاً تعریف شود و منطبق با استانداردهای وضع شده به اجرا در می‌آید؟

- (۱) دموکراتیک
- (۲) علمی
- (۳) مبتنی بر روابط انسانی
- (۴) نوین

۲۱- کدام‌یک از مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی با به‌کارگیری کلیه مفاهیم نظارت به شخصیت و فردیت معلم برای پرورش معلم استاد اهمیت زیادی قائل بود؟

- (۱) نظارت و راهنمایی مبتنی بر خلاقیت
- (۲) نظارت و راهنمایی آموزشی علمی
- (۳) نظارت و راهنمایی آموزشی دموکراتیک
- (۴) نظارت و راهنمایی آموزشی نوین

۲۲- نمود یا خاصه عمده در مفهوم سازی مدیریت اداری در نظارت و راهنمایی عبارت است از:

- (۱) برنامه‌ریزی و بازنگری برنامه‌های درسی و گزارش به والدین
- (۲) تجربه و عملکردی که به قصد بهبود تدریس انجام گیرد.
- (۳) حصول به انتظارات آموزشی با سیستم آموزش و پرورش
- (۴) یاددهی چگونه یادگیری شاگردان

۲۳- با توجه به روال تکامل نقش‌های نظارت و راهنمایی در طول تاریخ، پیش‌بینی می‌شود که نظارت و راهنمایی در دهه اول قرن ۲۱ چه نقشی را بازی کند؟

- (۱) کلینیکی
- (۲) بوروکراسی
- (۳) نظارت علمی
- (۴) رهبری توأم با تشریک مساعی

۲۴- کدام تعریف، مفهوم نظارت و راهنمایی را کامل‌تر بیان می‌کند؟

- (۱) حمایت و هدایت معلم در مسیر رشد حرفه‌ای و بهبود تدریس و تسهیل امر تعلیم و تربیت
- (۲) طراحی - سازماندهی و ارزشیابی برنامه‌های درسی
- (۳) کمک به تهیه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی آموزشی
- (۴) نظارت بر عملکرد مدیریت آموزشگاه‌ها جهت تحقق هدف‌های آموزشی

۲۵- در دهه ۱۹۲۰ تئوری نظارت مبتنی بر کدام یک از موارد زیر بود؟

- (۱) نظارت به‌عنوان توسعه برنامه درسی
- (۲) نظارت و راهنمایی علمی
- (۳) نظارت و راهنمایی بروکراتیک
- (۴) نظارت و راهنمایی مبتنی بر تشریک مساعی

۲۶- الگوهای غیررسمی در نظارت و راهنمایی آموزشی با کدام دوره زمانی ارتباط دارد؟

- (۱) ۱۸۶۵-۱۶۰۰
- (۲) ۱۹۲۰-۱۹۰۰
- (۳) ۱۹۵۰-۱۹۴۰
- (۴) ۱۹۴۰-۱۹۳۰

۲۷- مهم‌ترین هدف نظارت و راهنمایی آموزشی چیست؟

- (۱) رفع موانع و مشکلات تدریس
- (۲) بهبود یادگیری و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان
- (۳) بهبود و اصلاح تدریس
- (۴) رفع موانع و مشکلات تدریس و بهبود و اصلاح تدریس

۲۸- از نظر مکتب نظارت علمی، محور اصلی کار معلمان چیست؟

- (۱) ابداع بهترین شیوه تدریس
- (۲) ایجاد پویایی و بالندگی در مدرسه
- (۳) برقراری ارتباط بین معلم، راهنمای آموزشی و دانش‌آموز
- (۴) بهینه‌سازی ابعاد مختلف تدریس و یادگیری

۲۹- «نظارت و راهنمایی آموزشی یک فرایند پیچیده کار با معلمان و سایر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، به‌منظور تقویت

کیفیت تدریس و یادگیری در مدرسه است» تعریف از کیست؟

- (۱) بن هاریس
- (۲) کیمبل و ایلز و رایبسون
- (۳) باندی و وایلز
- (۴) دان بیچ و جودی اینهارت

۳۰- هدف اصلی از تغییرات نظارت و راهنمایی آموزشی چیست؟

- (۱) پرورش توانایی تفکر
- (۲) کسب نتایج مطلوب و ارتقای عملکرد مثبت
- (۳) هماهنگی مدارس و معلمان با الگوی توسعه
- (۴) اصلاح و بهبود فعالیت‌های آموزشی

۳۱- در این دوره از دوران نظارتی، بر ارزیابی معلم از خود بیش از ارزیابی راهنمای آموزشی از معلم تأکید می‌شد.

- (۱) علمی
- (۲) راهنمایی و ارشاد
- (۳) روابط انسانی آزادمنشانه
- (۴) فرآیندهای گروهی

۳۲- «هرگونه فعالیتی که عمدتاً برای اصلاح آموزش در کلاس صورت می‌گیرد، در حوزه نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌گردد.» تعریف مذکور توسط کدام یک از دانشمندان مطرح شده است؟

- (۱) موشی و پریل (۲) مارکس و استوپس (۳) وایلز و باندی (۴) سرجیوانی و استارات

۳۳- به اعتقاد چه کسانی فرآیند نظارت و راهنمایی آموزشی باید فرآیندی پویا تلقی شود که مستلزم تفکر مجدد در مورد شرایط تدریس و یادگیری و همچنین مدرسه است؟

- (۱) بن هاریس (۲) وایلز و باندی (۳) سر جیوانی و استارات (۴) مارکس و استوپس

۳۴- وظیفه اصلی راهنمایان آموزشی در هر پست و مقامی که باشند، عبارت است از:

- (۱) برقراری ارتباط و همکاری حرفه‌ای با معلمان (۲) همکاری با دانش‌آموزان
(۳) رشد و پرورش دانش‌آموزان (۴) رشد و پرورش همه جانبه دانش‌آموزان

۳۵- در این مفهوم از مفاهیم نظارت و راهنمایی، از میان اجزاء و جنبه‌های مختلف فرآیند تدریس و یادگیری، فقط معلم در نظر گرفته می‌شد و سعی می‌شد که از طریق بهبود کارایی معلمان، کیفیت تدریس بالا رود.

- (۱) نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح برنامه درسی (۲) نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی و ارشاد
(۳) نظارت و راهنمایی تحت عنوان فرایندهای گروهی (۴) نظارت و راهنمایی مبتنی بر خلاقیت

۳۶- در این دوره نظارتی برای اولین بار دانش‌آموز محور اصلی برنامه‌های آموزشی قرار گرفت؟

- (۱) نظارت و راهنمایی مبتنی بر همکاری گروهی (۲) نظارت و راهنمایی علمی
(۳) نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی و ارشاد (۴) نظارت و راهنمایی تحت عنوان روابط انسانی و آزادمنشانه

۳۷- موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و نیل به اهداف آن در گرو چیست؟

- (۱) عملکرد مؤثر دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه (۲) بازرسی دقیق معلمان
(۳) هدایت معلمان و قضاوت در مورد آنها (۴) انتقال دانش و مهارت از فرد کارآموده به فرد کارآموز

۳۸- هدف اصلی این دوره نظارت و راهنمایی، بالا بردن کیفیت آموزشی از طریق رفع مشکلات معلمان و دانش‌آموزان بود.

- (۱) راهنمایی و ارشاد (۲) مبتنی بر خلاقیت (۳) نظارت علمی (۴) اصلاح برنامه درسی

۳۹- چه زمانی نیاز به نظارت و راهنمایی آموزشی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؟ زمانی که:

- (۱) اجرای موفق برنامه‌های آموزشی مورد توجه باشد.
(۲) فعالیت‌های یادگیری مد نظر باشد.
(۳) آموزش و پرورش دستخوش تغییر و تحولات بنیادی گردد.
(۴) فعالیت‌های یادگیری مدنظر باشد.

۴۰- به اعتقاد وایلز، نظارت و راهنمایی آموزشی کدام یک از فعالیت‌های زیر را دربر نمی‌گیرد؟

- (۱) توسعه برنامه درسی (۲) بالابردن روحیه معلمان
(۳) منحصرأ مسائل ملموس آموزشی معلم (۴) اصلاح آموزش ضمن خدمت

۴۱- این مورد به عنوان مهم‌ترین شاخص سطح کفایت و اثربخشی کل برنامه‌های آموزشی محسوب می‌گردد.

- (۱) استفاده از منابع مالی کافی (۲) به کارگیری تسهیلات لازم
(۳) استفاده مناسب از زمان (۴) کیفیت مدیریت فعالیت‌های آموزشی

۴۲- در این دوره نظارتی، برای اولین بار نظارت از وظیفه صفی به وظیفه ستادی تبدیل شد.

- (۱) نظارت و راهنمایی علمی (۲) نظارت و راهنمایی تحت عنوان روابط انسانی و آزادمنشانه
(۳) نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح روش تدریس (۴) نظارت و راهنمایی تحت عنوان بازرسی مدرسه و کلاس درس

۴۳- کدامیک از گزینه‌های زیر جزء اهداف نظارت و راهنمایی آموزشی محسوب نمی‌گردد؟

- (۱) کاهش افت آموزشی
- (۲) ارتقای کیفیت عملکرد معلمان
- (۳) اصلاح فرآیند تدریس و یادگیری
- (۴) حل و فصل مسائل و مشکلات آموزشی معلمان

۴۴- در کدامیک از روندهای تاریخی، نظارت و راهنمایی به‌عنوان مشاور در نظر گرفته شده است؟

- (۱) نظارت و راهنمایی به‌عنوان اصلاح روش
- (۲) نظارت و راهنمایی به‌عنوان فرآیند گروهی
- (۳) نظارت و راهنمایی به‌عنوان روابط انسانی آزادمنشانه
- (۴) نظارت و راهنمایی به‌عنوان همکاری گروهی

۴۵- عبارت «نظارت و راهنمایی آموزشی باید فرآیندی عقلانی و منطقی و به عبارتی تفکر مجدد در رابطه با یادگیری، کلاس و مدرسه باشد نه ارزشیابی عملکرد و کنترل دیوانسالارانه» از کیست؟

- (۱) گیلیکمان و گوردون
- (۲) والیز و باندی
- (۳) مارکس و استوپس
- (۴) سرجیوانی و استارت

۴۶- در این دوره نظارتی راهنمایان آموزشی مشاور نامیده می‌شدند و مسئولیت آنان ایجاد محیطی مناسب جهت تشریک مساعی همه کارکنان بوده است.

- (۱) اصلاح روش تدریس
- (۲) نظارت و راهنمایی علمی
- (۳) رهبری آموزشی آزادمنشانه
- (۴) روابط انسانی آزادمنشانه

۴۷- در کدام دوره نظارتی و تحت چه عنوانی، نظارت و راهنمایی در آموزش و پرورش جنبه تخصصی یافت؟

- (۱) نظارت علمی
- (۲) توسعه برنامه درسی
- (۳) مبتنی بر خلاقیت
- (۴) راهنمایی به‌وسیله افراد بومی

۴۸- نظارت و راهنمایی تحت این عنوان، ابتدا از ارزیابی کار معلم و گرفتن آزمون از دانش‌آموزان به‌منظور تعیین میزان موفقیت برنامه‌های آموزشی آغاز شد.

- (۱) اصلاح برنامه درسی
- (۲) مبتنی بر خلاقیت
- (۳) فرایندهای گروهی
- (۴) رهبری آموزشی آزادمنشانه

۴۹- در این دوره نظارتی، نظارت و راهنمایی معلمان به‌وسیله مسئولان آموزش و پرورش از خارج از مدرسه شروع شد.

- (۱) راهنمایی به‌وسیله افراد بومی
- (۲) فرایندهای گروهی
- (۳) توسعه برنامه درسی
- (۴) روابط انسانی آزادمنشانه

۵۰- بهبود کار معلمان و کارایی و اثربخشی آنان از مواردی بود که مورد تأیید اکثر نویسندگان این عصر قرار داشت؟

- (۱) رهبری آموزشی آزادمنشانه
- (۲) اصلاح برنامه درسی
- (۳) فرایندهای گروهی
- (۴) رهبری آموزشی مبتنی بر همکاری گروهی

۵۱- همه معلمان تا زمانی که در حرفه معلمی خدمت می‌کنند نیاز به اصلاح شیوه تدریس خود دارند و هر وسیله و ابزاری که قادر باشد آنها را به‌صورت معلم استاد درآورد باید در اختیار آنان قرار گیرد. جمله مذکور به نظارت و راهنمایی تحت چه عنوانی اشاره می‌کند؟

- (۱) اصلاح برنامه درسی
- (۲) فرایندهای گروهی
- (۳) راهنمایی و ارشاد
- (۴) مبتنی بر خلاقیت

۵۲- در این دوره نظارت و راهنمایی بر رفع نقاط ضعف معلم، اصلاح روش تدریس یا رفع مشکلات آنان تأکید نمی‌شد، بلکه تجدیدنظر در برنامه‌های درسی مورد توجه بود.

- (۱) اصلاح برنامه درسی
- (۲) مبتنی بر خلاقیت
- (۳) اصلاح روش تدریس
- (۴) راهنمایی و ارشاد

۵۳- هدف از نظارت و راهنمایی آموزشی در این دوره، بالابردن کیفیت آموزش از طریق رفع مشکلات معلمان و دانش‌آموزان بود.

- (۱) راهنمایی و ارشاد
- (۲) نظارت علمی
- (۳) مبتنی بر خلاقیت
- (۴) اصلاح برنامه درسی

۵۴- نظارت و راهنمایی آموزشی تحت این عنوان، کوششی است در جهت خودکاری معلم و حرفه‌ای شدن او به‌منظور تفوق و تعالی او در تدریس.

- (۱) فرایندهای گروهی (۲) مبتنی بر خلاقیت (۳) آزادمنشانه (۴) راهنمایی و ارشاد

۵۵- در این دوره نظارتی اصلاح فرآیند آموزش مسئولیت مشترک و جمعی تلقی می‌شد که معلم، راهنمای آموزش، مدیر مدرسه، دانش‌آموز و هر کس دیگر می‌توانست در آن سهیم باشد

- (۱) مبتنی بر همکاری گروهی (۲) روابط انسانی آزادمنشانه (۳) اصلاح روش تدریس (۴) رهبری آموزشی آزادمنشانه

۵۶- از نظر کیمبل وایلز، مهم‌ترین هدف نظارت و راهنمایی آموزشی چیست؟

- (۱) اصلاح برنامه‌ها و روش تدریس (۲) کنترل مدرسه یا تغییر برنامه‌های آموزشی (۳) مشارکت در تصمیم‌گیری آموزشی (۴) اصلاح برنامه‌ها و روش تدریس و ارزشیابی مؤثر و مشارکت در جامعه

۵۷- محور اصلی برنامه‌های آموزشی نظارت و راهنمایی علمی چیست؟

- (۱) خلاقیت و ابتکار (۲) دانش‌آموزمحور (۳) فرایندهای گروهی (۴) اصلاح برنامه‌های آموزشی و درسی

۵۸- «نظارت و راهنمایی آموزشی کارکنان مدرسه بر افراد و حتی اشیاء به‌منظور اداره و کنترل مدرسه یا تغییر برنامه‌های آموزشی صورت می‌گیرد و تأثیر مستقیم در رسیدن به اهداف آموزشی و مدرسه است.» این تعریف از کیست؟

- (۱) کیمبل وایلز و رابینسون (۲) بن هاریس (۳) باندی و وایلز (۴) دان بیچ و جودی اینهارت

۵۹- در سیر تاریخی کدامیک از دوره‌های نظارتی «ایجاد انگیزه کاری و ابداع بهترین شیوه‌های تدریس» مورد توجه قرار گرفت؟

- (۱) آزادمنشی (۲) علمی (۳) اصلاح برنامه درسی (۴) فرایندهای گروهی

۶۰- کدام نوع راهنمایی از ویژگی‌های راهنمایی مطلوب است؟

- (۱) با خواسته مدیر مدرسه همسان باشد. (۲) با تهدید و ارباب انجام نشود. (۳) با نصیحت و اندرز انجام گیرد. (۴) در تأمین امنیت خاطر کادر تعلیماتی کوشش کند.

۶۱- هدف عمده نظارت و راهنمایی آموزشی چیست؟

- (۱) تغییر و اصلاح برنامه‌های درسی (۲) قضاوت درباره شایستگی معلم (۳) اصلاح عملکرد معلم در کلاس (۴) اصلاح فرآیند تدریس و یادگیری

۶۲- نظارت و راهنمایی آموزشی علمی کدامیک از تأثیرات را به دنبال خواهد داشت؟

- (۱) جست‌وجوی انواع روش‌های تدریس برای کاربرد در کلاس (۲) افزایش بازرسی گونه عملکرد معلمان در مدرسه (۳) تغییر رابطه بین معلمان و ناظران و راهنمایان آموزشی (۴) توجه خاص به نقطه ضعف و کاستی‌های معلم در تدریس

۶۳- مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی تحت تأثیر کدامیک از مکاتب یا نظریه‌ها دارای تحولات و تغییرات اساسی زیادی شد؟

- (۱) مکتب مدیریت علمی (۲) مکتب روابط انسانی (۳) نظریه نئوکلاسیک مدیریت (۴) نظریه‌های جدید مشارکتی در مدیریت و رهبری

۶۴- با توجه به روال تکامل نقش‌های نظارت و راهنمایی در طول تاریخ، پیش‌بینی می‌شود که نظارت و راهنمایی در دهه اول قرن ۲۱ چه نقشی را بازی کند؟

- (۱) کلینیکی
- (۲) بوروکراسی
- (۳) نظارت علمی
- (۴) رهبری توأم با تشریک مساعی

۶۵- سازمان‌های آموزشی، در درجه اول چه نوع سازمانی هستند؟

- (۱) اجتماعی
- (۲) رسمی
- (۳) سیاسی
- (۴) فرهنگی

۶۶- اثربخش بودن برنامه‌ها و استراتژی‌های آموزشی بر چه اساسی باید سنجیده شود؟

- (۱) عملکرد معلم
- (۲) رشد حرفه‌ای معلم
- (۳) پیشرفت تحصیلی مطلوب دانش‌آموزان
- (۴) تناسب برنامه‌ها و روش‌ها با علائق و استعدادها دانش‌آموزان

۶۷- یکی از مشکلات مهم راهنمایان آموزشی در نوسازی و بهسازی برنامه‌های آموزشی چیست؟

- (۱) عادات کاری معلمان
- (۲) عدم تمایل معلمان نسبت به پذیرش مرجعیت تخصصی راهنمایان
- (۳) عدم علاقه معلمان به شرکت در جلسات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری
- (۴) مقاومت معلمان در برابر تغییرات ضروری

۶۸- برنامه‌های نظارت و راهنمای آموزشی در درجه اول بیشتر متوجه خدمت به چه کسی یا چیزی است؟

- (۱) دانش‌آموز
- (۲) مدرسه
- (۳) معلم
- (۴) نظام آموزش و پرورش

۶۹- رابطه بین نظارت و راهنمایی آموزشی و مدیریت آموزشی در مدارس چیست؟

- (۱) مدیریت آموزشی جزئی از برنامه نظارت و راهنمایی تلقی می‌شود.
- (۲) نظارت و راهنمایی بخش بی‌اهمیتی از مدیریت آموزشی محسوب می‌شود.
- (۳) نظارت و راهنمایی آموزشی اصلی‌ترین وظیفه مدیران محسوب می‌شود.
- (۴) نظارت و راهنمایی و مدیریت آموزشی هردو یک نقش تلقی می‌شوند.

۷۰- کدام مورد در رابطه با نقش ناظر راهنمای آموزشی در پیشرفت حرفه‌ای معلم بیشترین اولویت را دارد؟

- (۱) آشنایی با روش‌های تحقیق
- (۲) آشنایی با تکنولوژی آموزشی پیشرفته
- (۳) آشنایی با نظریه‌های معتبر مربوط به نظارت و راهنمایی
- (۴) شناسایی نارسائی‌ها و نقاط ضعف و قوت معلم در حیطه آموزشی

۷۱- کدام یک از عناصر زیر حائز بیشترین اهمیت در توسعه و تحقق هدف‌های آموزشی یک کشور محسوب می‌شود؟

- (۱) نیروی انسانی آموزش دیده
- (۲) مدیریت و رهبری اثربخش و کارآمد
- (۳) تخصیص بودجه و امکانات مناسب
- (۴) برنامه‌ریزی‌های راهبردی

۷۲- روش مورد تأکید نظارت معلمان در تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

- (۱) نظارت برخورد
- (۲) نظارت فعال
- (۳) نظارت بالینی
- (۴) ارزشیابی عملکرد

۷۳- به اعتقاد متخصصان تعلیم و تربیت پشت در هر کلاس یا مدرسه موقتی تاثیر چه عاملی را می‌توان جست‌وجو کرد؟

- (۱) نوعی برنامه مبتنی بر مفهوم جدید تفوق علمی در مدارس
- (۲) یک برنامه معتبر ارزشیابی شایستگی کارکنان
- (۳) یک برنامه کیفی قوی
- (۴) یک برنامه نظارت و راهنمایی اثربخش

۷۴- در کدام نظریه فرض بر این است که انتخاب باید توسط راهنمای آموزشی انجام شود تا هدف و ارزش‌های مطلوب و معین به حداکثر برسد، نظریه:

- (۱) توصیفی نظارت و راهنمایی
- (۲) هنجاری نظارت و راهنمایی
- (۳) نظارت و راهنمایی عمومی
- (۴) نظارت و راهنمایی بالینی

۷۵- موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس بیشتر منوط به کدام یک از عوامل زیر است؟

- (۱) تشریک مساعی متقابل معلم و راهنمای آموزشی (همکار حرفه‌ای)
- (۲) پذیرش و اجابت دستورات و رهنمودهای راهنمای آموزشی توسط معلم
- (۳) پذیرفتن دستورات مدیر مدرسه و راهنمای آموزشی از طرف معلم
- (۴) پذیرش مرجعیت تخصصی راهنمای آموزشی توسط معلم

۷۶- کدام تعریف مفهوم نظارت و راهنمایی را کامل‌تر بیان می‌کند؟

- (۱) حمایت و هدایت معلم در مسیر رشد حرفه‌ای و بهبود تدریس و تسهیل امر تعلیم و تربیت
- (۲) طراحی، سازماندهی و ارزشیابی برنامه‌های درسی
- (۳) کمک به تهیه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی آموزشی
- (۴) نظارت بر عملکرد مدیریت آموزشگاه‌ها جهت تحقق هدف‌های آموزشی

۷۷- کدام مورد جزء مهمی از کار راهنمایی آموزشی را تشکیل می‌دهد؟

- (۱) شناخت روش‌های تحقیق
- (۲) شناخت شایستگی معلم
- (۳) شناخت ساختار سازمان آموزشی
- (۴) شناخت ساختار نظام اجتماعی حاکم

۷۸- برای نشان دادن درجه موفقیت مدرسه در حصول به اهداف آموزشی کدام یک از قلمروهای مدیریت آموزشی ضرورت پیدا می‌کند؟

- (۱) مشاوره و راهنمایی
- (۲) حسابرسی و نظارت مالی
- (۳) نظارت
- (۴) ارزشیابی

۷۹- کدام مورد، بخشی از اهداف بلند مدت نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌گردد؟

- (۱) برطرف کردن تعارضات کاری راهنما و معلم
- (۲) حل و فصل همه مشکلات معلمان و دانش‌آموزان
- (۳) رشد و بالندگی حرفه‌ای معلم
- (۴) سوق دادن معلم به سوی خودراهبری

۸۰- به چه علت نظارت و راهنمایی آموزشی به عنوان یک خرده سیستم مهم و تأثیرگذار در ارتقاء و اثربخشی کیفیت آموزشی، هنوز در نظام آموزشی کشور ما به صورت فراگیر مورد استفاده قرار نگرفته است؟

- (۱) فقدان افق دیدگاه‌های سیستمی، آرمانی، راهبردی و جاه طلبانه
- (۲) کمبود منابع مالی، ساختاری، اطلاعاتی و فن‌آوری
- (۳) عدم وجود نیروهای متخصص و آموزش دیده برای این کار
- (۴) نبود پست‌های سازمانی رسمی نظارت در دوره‌های تحصیلی در تشکیلات سازمان آموزش و پرورش

۸۱- کدام گزینه، مورد توجه خاص نظارت و راهنمایی علمی نیست؟

- (۱) تعیین ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان
- (۲) حرفه‌ای شدن کار راهنما
- (۳) محور قرار گرفتن فراگیر
- (۴) یافتن بهترین شیوه تدریس

۸۲- به اعتقاد صاحب نظران آموزش و پرورش، برای ارتقاء کیفیت آموزشی دانش‌آموزان ابتدا باید مبادرت به آموزش و آماده سازی کدام دسته از افراد در مدرسه کرد؟

- (۱) مدیران
- (۲) معلمان
- (۳) مشاوران تحصیلی
- (۴) راهنمایان آموزشی

پاسفنامه سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۲»
- ۲- گزینه «۳»
- ۳- گزینه «۳»
- ۴- گزینه «۳»
- ۵- گزینه «۲»
- ۶- گزینه «۱»
- ☞ نظارت کلینیکی یا بالینی به معنای مباحثه ناظر و معلم درباره کشف ضعف‌ها، مشاهده رفتار در کلاس و بازخورد برای برطرف ساختن آنهاست.
- ۷- گزینه «۴»
- ☞ ناظران بازرس و مامور اجرای قوانین نمی‌باشند.
- ۸- گزینه «۳»
- ☞ در قیاس آئینه و تلویزیون در توصیف نظارت کلینیکی ناظر و معلم هر دو به تلویزیون نگاه می‌کنند.
- ۹- گزینه «۴»
- ☞ اختیار قانونی راهنمایان آموزشی برای کار با معلمان چندان ضروری نیست.
- ۱۰- گزینه «۲»
- ۱۱- گزینه «۱»
- ۱۲- گزینه «۴»
- ۱۳- گزینه «۴»
- ۱۴- گزینه «۱»
- ۱۵- گزینه «۳»
- ۱۶- گزینه «۲»
- ۱۷- گزینه «۴»
- ۱۸- گزینه «۲»
- ۱۹- گزینه «۲»
- ۲۰- گزینه «۲»
- ☞ در مفهوم نظارت و راهنمایی علمی برای اولین بار ویژگی حرفه‌ای معلمان باید با استانداردهای وضع شده به اجرا درآید.
- ۲۱- گزینه «۱»
- ۲۲- گزینه «۳»
- ۲۳- گزینه «۴»
- ☞ نظارت و راهنمایی در دهه اول قرن ۲۱ بیشتر رهبری توأم با تشریک مساعی است.
- ۲۴- گزینه «۱»
- ۲۵- گزینه «۲»
- ☞ در دهه ۱۹۲۰ تئوری نظارت مبتنی بر نظارت و راهنمایی علمی بود.
- ۲۶- گزینه «۴»
- ☞ زیرا نظارت شدید بوده است. گزینه ۲ نادرست است؛ زیرا عمده فعالیت ناظر بر معلم متمرکز است و گزینه ۳ هم نادرست است؛ زیرا ناظر علاوه بر نظارت فرایند تدریس و معلم بر مدیر و والدین نیز نظارت دارد.